سال ۹ • شماره ۲۲۹۳ • ۸ صفحه • ۳۰هزار تومان
روزنامه کارگزاران سازندگی ایران
شنبه • ۱۰ مرداد ۱۴۰۵ • ۱۷ صفر ۱۴۴۸ • اول آگوست ۲۰۲۶

۴ کافه — آزادی پس از ۱۹ سال! رفع توقیف فیلم صد سال به این سال‌ها
۵ ورزش — اسطوره شماره ۶ میلان فرانکو بارزی درگذشت
۷ کوچه — انبار باروت درباره انبارهای نفت تهران
۷ جامعه — ساعت مرگ حمله آمریکا به مناطق مسکونی قشم

با اعلام توافق حماس و آمریکا صورت می‌گیرد:

خروج اسرائیل از غزه

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا از دستیابی به توافقی تاریخی برای خلع سلاح حماس خبر داد و آن را مهم‌ترین دستاورد هیأت صلح خواند

سازندگی به بررسی این موضوع پرداخته که آیا اسرائیل می‌گذارد این توافق به سرانجام برسد یا نه؟

ابوالفضل خدایی
گروه بین‌الملل

جنبش حماس اعلام کرد که با طرح «هیات صلح» برای خلع سلاح کامل در غزه موافقت کرده است. حماس با انتشار بیانیه ای تصریح کرد، موافقت با درج پرونده سلاح سنگین در چارچوب توافق آتش بس در غزه مشروط به توقف تمام تجاوزات و عقب‌نشینی اسرائیل از نوار غزه است. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا نیز در اظهاراتی بیان کرد که مقاومت فلسطین با خلع سلاح موافقت کرده است. وی از مصر، قطر و ترکیه به‌عنوان میانجی‌های این روند قدردانی کرد و تلاش‌های تیم خود را نیز در دستیابی به این توافق مورد تمجید قرار داد. رئیس‌جمهور آمریکا همچنین مدعی شد که پس از تکمیل روند خلع سلاح، نیروهای رژیم صهیونیستی از غزه عقب‌نشینی خواهند کرد و مسئولیت تأمین امنیت این منطقه به «نیروی بین‌المللی برقراری ثبات» و یک نیروی پلیس فلسطینی جدید واگذار خواهد شد. تا این لحظه مقام‌های اسرائیلی واکنشی به این موضوع نشان نداده‌اند و به این پرسش دامن زده‌اند که آیا در نهایت به این توافق تن خواهند داد یا نه؟

مراحل خلع‌سلاح

خلع‌سلاح حماس در غزه، به‌عنوان یک فرآیند مرحله‌ای و تحت نظارت، در چارچوب یک طرح چندمرحله‌ای صلح طراحی شده است.

مرحله اول؛ توقف درگیری و مهار وضعیت: درگیری‌ها متوقف می‌شود، نیروهای اسرائیلی به مناطق از پیش تعیین‌شده موسوم به «خط زرد» عقب‌نشینی می‌کنند و تبادل گروگان‌ها و زندانیان انجام می‌شود. در این مرحله عملیات تهاجمی متوقف شده و همزمان گذرگاه‌های بشردوستانه باز می‌شوند.

مرحله دوم؛ برچیدن تسلیحات سنگین و زیرساخت‌های نظامی: تمام زیرساخت‌های نظامی و تهاجمی متعلق به گروه‌های غیردولتی، ازجمله شبکه تونل‌های زیرزمینی، کارخانه‌های تولید موشک و مراکز ساخت تسلیحات باید به‌صورت سیستماتیک منهدم شوند. تسلیحات سنگین و متوسط شامل موشک‌ها، خمپاره‌ها و موشک‌های هدایت‌شونده ضدزره باید تحت نظارت ناظران بین‌المللی مستقل به‌گونه‌ای از کار بیفتند که امکان استفاده مجدد از آنها وجود نداشته باشد. همچنین رهبران ارشد که تمایل به ترک غزه داشته باشند امکان خروج امن به کشورهای ثالث را خواهند داشت.

مرحله سوم؛ تثبیت دائمی امنیت: یک نیروی پلیس غیرنظامی فلسطینی که افراد آن تأیید صلاحیت شده‌اند و توسط شرکای منطقه‌ای مانند مصر و اردن آموزش دیده‌اند، مستقر خواهد شد. این نیرو با حمایت «نیروی تثبیت بین‌المللی» (ISF) فعالیت می‌کند تا از بازتسلیح گروه‌ها جلوگیری کرده و امنیت مرزها را تأمین کند.

ادامه در صفحه ۳

۲ سیاست

مسئولان به تونل بروند!

پیشنهاد عجیب عضو جبهه پایداری برای حضور مدیران و مسئولان در تونل و درخواست برای ساخت شهرهایی در دل کوه

سرمقاله

یک دوراهی و هشت ابهام

ضرورت شفاف‌سازی درباره پیامدهای سیاسی، اقتصادی، امنیتی و الزامات هر تصمیم راهبردی

محسن هاشمی‌رفسنجانی
رئیس شورای مرکزی
حزب کارگزاران سازندگی ایران

حدود پنج ماه از آغاز حمله رذیلانه آمریکا و اسرائیل در رمضان و شهادت رهبر انقلاب می‌گذرد. یکی از ویژگی‌های کشور در دوران مسئولیت آقای شهید تمرکز تصمیم‌گیری و فصل‌الخطاب بودن تصمیمات ایشان برای مسئولان کشور بود. تصمیماتی که ممکن بود با مخالفت یا موافقت بخشی از مسئولان، بخشی از افکار عمومی و فضای بین‌المللی همراه باشد اما نهایتاً همه می‌دانستند که تصمیمات رهبری، نقطه خاتمه کشمکش‌ها، تفاوت سلایق و نظرات و اختلافات میان مسئولان و جریانات سیاسی در ایران است. تصمیماتی مانند همکاری با ائتلاف ضدطالبان در جنگ افغانستان، تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای و شکستن تعلیق، برجام و... که براساس قانون توسط شورای‌عالی امنیت ملی اتخاذ می‌شد و با تأیید رهبری لازم‌الاجرا بود. رویه این تصمیم‌گیری نیز تشکیل جلسات متعدد با حضور مسئولان مختلف کشور و انجام بحث‌های کارشناسی و در نهایت اقناع و جمع‌بندی توسط آیت‌الله خامنه‌ای بود.

در شرایط فعلی کشور که به دلیل ترور مسئولان مختلف نظامی، امنیتی و دبیر سابق شورای‌عالی امنیت ملی، فشار بر نهاد نظامی-امنیتی کشور تشدید شده طبیعتاً تصمیم‌گیری با دشواری‌های بیشتری انجام می‌شود و با توجه به عدم امکان تشکیل جلسات در حضور رهبری، خلأ مسئولیت‌پذیری و پذیرش پیامدهای تصمیم‌گیری بیشتر احساس می‌شود. اکنون یک دوراهی برای کشور ایجاد شده است:

راه نخست: بازگشت به آتش‌بس و تفاهم‌نامه و رفع محاصره و تعلیق تحریم‌ها و باز شدن تنگه هرمز

راه دوم: بسته نگه داشتن تنگه هرمز و تقابل آتش با آمریکا و مقاومت اقتصادی، اجتماعی و امنیتی.

راه نخست برای حدود یک ماه آزموده شد و نتایجش روشن است؛ گرچه تفاهم‌نامه کاملاً مطلوب ایران نبود اما امتیازات مهمی نظیر رفع محاصره دریایی، فروش نفت و دریافت درآمد ارزی، تعلیق تحریم‌ها و آتش‌بس در لبنان و... بود. شرایط اقتصادی-اجتماعی کشور به‌تدریج رو به آرامش و ثبات می‌رفت و فرصت بازسازی توان اقتصادی و نظامی کشور به‌وجود آمده بود تا با توافق نهایی، کشور را در جهت رشد و توسعه و افزایش توانمندی قرار دهد.

اما راه دوم، که بعد از تشییع باشکوه و با دستور انتقام و تثبیت ترتیبات ایرانی بر تنگه هرمز پدید آمد باید برای اقناع افکار عمومی به پرسش‌هایی پاسخ داده شود.

۱ با توجه به محاصره دریایی بودن کشور، ادامه شرایط فعلی تا چه زمانی ممکن است؟ و دولت آیا می‌تواند بدون درآمد نفت و بخشی از پتروشیمی، اقتصاد کشور را مدیریت کند؟

۲ فرماندهان نظامی برای ادامه مسیر مقاومت، چه نیازها و تجهیزات و توانایی‌هایی را لازم دارند؟ اعمال فشار تبلیغاتی و اجتماعی بر نظامیان، توسط بعضی از چهره‌های سیاسی-رسانه‌ای و بعضی از مداحان تا چه اندازه استقلال و امور تخصصی این نهاد را در دفاع از کشور حفظ می‌کند؟

۳ چه چشم‌اندازی در روابط کشور با همسایگان و قدرت‌های بین‌المللی وجود دارد؟ در حال حاضر با تعدادی از کشورهای همسایه وارد تنش نظامی شده‌ایم و حتی متحدی نظیر چین، با بسته شدن درازمدت تنگه هرمز موافق نیست، اروپا و ناتو که در جنگ رمضان با آمریکا و اسرائیل همراهی نکردند، ممکن است به این ائتلاف اضافه شوند.

ادامه در صفحه ۲

سیاست

تاوان خواهند داد

واکنش قالیباف به حملات اخیر آمریکا به قشم

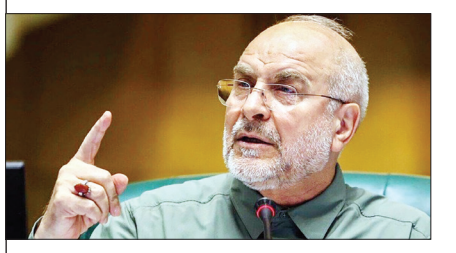

گروه سیاسی: رئیس هیأت مذاکره‌کننده ایران در واکنش به حملات اخیر آمریکا به جزیره قشم، با محکوم کردن این اقدام، تأکید کرد که ایالات متحده با هدف قرار دادن غیرنظامیان در تلاش است، شکست‌های خود در میدان نبرد را جبران کند و در نهایت «تـاوان» این اقدامات را خواهـد پرداخت. محمدباقر قالیبـاف، رئیس مجلس شـورای اسلامی در واکنش به «جنایـت اخیر ایالات متحده آمریکا در جزیره قشم» در حساب کاربری خود در شبکه ایکس نوشـت: «ایالات متحده هر روز دست خود را به جنایت جدیدی آلوده می‌کند؛ حمله تروریستی به منازل مسـکونی غیرنظامیان در جزیره قشـم، ادامه جنایت در میناب و لامرد اسـت». او در ادامه این پیام با اشاره به رویکرد آمریکا در قبال تحولات منطقه، افزود: «آمریکایی‌ها عادت کرده‌اند، سـیلی‌هایی که در میدان نبرد می‌خورند را با ریختن خون بی‌گناهان جبران کنند. تاوان خواهند داد». قالیباف در این پیام، حمله به مناطق مسـکونی و غیرنظامیان را مصداق ادامه سیاسـت‌های جنایتکارانه آمریکا دانسـت و با پایـان دادن پیام خود با عبارت «تاوان خواهند داد» بر پاسخگو بودن عاملان این حملات تأکید کرد.

مسئولان به تونل بروند!

پیشنهاد عجیب عضو جبهه پایداری برای حضور مدیران و مسئولان در تونل و درخواست برای ساخت شهرهایی در دل کوه

عاطفه شمس
گروه سیاسی

علی خضریـان، نماینده تهران و از چهره‌هـای نزدیک به جبهه پایداری، اخیرا در نشست با وزیر راه و شهرسازی، پیشنهاد داد: «در سطح استان‌های کشـور به خصوص مراکز استان‌ها، نیاز به ساخت شـهرهای حکمرانی داریم؛ به این معنا که در زمان تجاوز دشمن به کشور بتوانیم، مدیران و مسئولان کشور را در مجتمع‌هایی که در زیر زمین و در دل کوه است از ترور ایمن نگه داریم». او با تأکید بر اینکه اجرای چنین طرحی «بدون کمک قرارگاه خاتم‌الانبیا و مجموعه‌های عمرانی» ممکن نیسـت، گفت: «حتماً دولت و نیروهای مسلح باید با هم به چنین تدبیری برسـند». خضریان در ادامه خواسـتار تنظیم بودجه سال ۱۴۰۶ بر مبنای «شرایط جنگی» شد و برای توضیح تغییر اولویت‌های بودجه‌ای، پروژه‌هایی مانند شبکه فاضلاب را مثال زد که به اعتقاد او، می‌توان اجرای آنها را چند سـال به تعویق انداخت زیرا «مردم متوجه نمی‌شوند، چاه دارند یا فاضلاب».

در همه جنگ‌ها، یک سؤال اساسی وجود دارد؛ دولت باید اول از چه چیزی محافظت کند؟ از مردم، از زیرسـاخت‌ها یا از مدیران؟ پاسـخ خضریان مشخص است. او در شرایطی که کشـور را در وضعیت جنگی و تهدید مستمر توصیف می‌کند پیشنهاد سـاخت «شـهرهای حکمرانی» در مراکز استان‌ها را می‌دهـد و در این راسـتا از دولت هـم می‌خواهد که بودجه سـال ۱۴۰۶ را هم بر مبنای شرایط جنگی ببندد و برای آن هم نسخه‌ای روشن دارد؛ برخی طرح‌های عمرانی، می‌توانند چند سال دیگر صبر کنند.

ایده‌ای که اگرچه در ظاهر با ادبیات دفاعی مطرح می‌شود اما در کنه خود، پرسشی جدی درباره نسبت حکومت با جامعه ایجاد می‌کند؛ اینکه در نظام اولویت‌بندی بودجه، امنیت چه کسی قرار است زودتر تأمین شـود؛ امنیت شهروندان یا مدیران؟ اصل ایده خضریان، البته در دنیا بی‌سـابقه نیسـت. در تجربه کشورهای مختلف، مراکز فرماندهی اضطراری برای تداوم اداره کشور وجود دارد اما این مراکز، بخشی از شبکه‌ای بزرگ‌تر برای حفاظت از کل جامعه هستند؛ یعنی همزمان که اتاق فرمان مقاوم می‌شود، بیمارستان، نیروگاه، شبکه آب، سامانه ارتباطی و پناهگاه‌های عمومی نیز تقویت می‌شوند. بنابراین آنچه پیشـنهاد خضریان را قابل بحث می‌کند، شیوه تأمین منابع آن و ضرورت جابه‌جایی اولویت‌های بودجه‌ای اسـت. او مثال می‌زند در شـهری با کمتر از ۲۰۰ هزار نفر جمعیت، بودجه‌ای برای شـبکه فاضلاب پیش‌بینی شده، درحالی که به اعتقاد او اگر اجرای این پروژه ۵ سال دیگر هم به تعویق بیفتد «هیچ مشکلی پیش نمی‌آید» زیرا این شهر «از زمان خلق آدم» بدون شـبکه فاضلاب زندگی کرده و مردم «متوجه نمی‌شوند، چاه دارند یا فاضلاب».

پیشـنهاد خضریان را می‌توان، بازتاب نوعی نـگاه به حکمرانی دانسـت که در آن ملاحظات امنیتی بر اولویت‌های توسـعه‌ای و بر شـهروندان تقدم پیدا می‌کند. در چنین نگاهـی، پروژه‌های دفاعی، زیرسـاخت‌های مقاوم، پناهگاه‌های حکمرانی و حفاظت از مراکز تصمیم‌گیری بر پروژه‌های توسـعه‌ای اولویت پیدا می‌کنند. درحالی کـه اقتصاددانان سال‌هاسـت، هشـدار می‌دهند کـه بودجه‌های عمرانی، نخستین قربانی تغییر اولویت‌های امنیتی هستند؛ درحالی کـه عقب‌ماندگی در زیرسـاخت‌هایی مانند آب، بـرق، فاضلاب و حمل‌ونقل، هزینه‌هایی به‌مراتب سنگین‌تر در آینده ایجاد می‌کند.

جابه‌جایی اولویت‌ها

خضریان همان نماینده‌ای اسـت که چهار سال پیش در مجلس هنگام دفاع از تحقیق و تفحص از شـرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور، آب و فاضلاب را یکی از ارکان امنیت ملی می‌دانست و درباره بحران آن هشدار می‌داد. او آن روز پشت تریبون مجلس تأکید می‌کرد که آب شـرب و تصفیه فاضلاب از مهم‌ترین زیرساخت‌های توسعه پایدار است؛ می‌گفت ضعف در این حوزه باعث مهاجرت، گسترش حاشیه‌نشینی، بحران‌های بهداشتی، آسـیب‌های زیست‌محیطی و حتی تهدید امنیت کشور می‌شود.

او از خوزسـتان گفت؛ از اهوازی که فاضلابـش با هر بارندگی

بالا می‌زند. از سیسـتان و بلوچسـتان گفت؛ جایی که کودکان آب غیربهداشـتی حمل می‌کنند. از آلودگی منابع آب زیرزمینی گفت. از رودخانـه کارون، از تنش‌های اجتماعـی، از خطرات امنیتی و از ضرورت اولویـت دادن به صنعت آب و فـاضلاب. اکنون اما همان نماینده در مقام بازتعریف اولویت‌های بودجـه‌ای از پروژه فاضلاب به‌عنوان نمونه‌ای یاد می‌کند که می‌توان اجرای آن را سال‌ها به تعویق انداخت زیرا از نگاه او، شـهروندان تفاوت محسوسـی احسـاس نخواهند کـرد. این تغییر زاویه نگاه صرفاً یک اختلاف کارشناسـی درباره بودجه نیست؛ بلکه تغییر در تعریف امنیت است. آن روز به زعم او، امنیت از لوله‌های آب آغاز می‌شد اما امروز از تونل‌های زیر کوه.

شهرهای حکمرانی؛ نماد یک نگاه

بحث بر سر ساخت مراکز امن برای مدیریت بحران نیست. هیچ دولت مسـئولی نمی‌تواند نسبت به حفاظت از سـاختار فرماندهی خود بی‌تفاوت باشـد. مسئله جایی اسـت که این حفاظت در برابر ابتدایی‌ترین نیازهای شـهروندان قرار می‌گیـرد. وقتی برای توجیه ساخت شـهرک‌های حکمرانی گفته می‌شود پروژه‌ای مثل فاضلاب «فعلاً لازم نیسـت» این پیام ناخواسـته مخابره می‌شود که کیفیت زندگی مردم، می‌تواند پشت صف امنیت مدیران قرار بگیرد.

در همه دنیا، بودجه در نهایت ترجمه عددی اولویت‌هاسـت. هر ریالی که به بخشـی اختصاص پیدا می‌کند، یعنی بخش دیگری باید کمتر سهم ببرد. بنابراین سـوال اصلی درباره ترتیب اولویت‌هاست؛ اولویت میان امنیت نخبگان سیاسـی و کیفیت زندگی شـهروندان عادی.

در ادبیات توسعه، امنیت فقط به معنای در امان ماندن از موشک و ترور نیست. امنیت یعنی کودکی در سیستان آب سالم داشته باشد. امنیت یعنی فاضلاب وارد رودخانه نشـود. امنیت یعنی بیماری‌های ناشـی از آلودگی آب کاهش پیدا کند. امنیت یعنی مهاجرت اجباری از روسـتاها متوقف شود. تجربه کشـورهای درگیر جنگ نیز نشان می‌دهد، موفق‌ترین دولت‌ها آنهایی بوده‌اند که توانسته‌اند میان نیازهای دفاعی و خدمات عمومی تعادل برقرار کنند. جنگ اگر بهانه‌ای برای کنار گذاشتن توسعه شـود، در بلندمدت هزینه‌ای به‌مراتب بیشتر از خود جنگ تولید می‌کند.

جالب آنکه همه این موارد همان چیزهایی است که خود خضریان دی مـاه ۱۴۰۰ به‌عنوان مؤلفه‌های امنیت ملی برشـمرده بود. اگر آن اسـتدلال درسـت بود-که به‌نظر می‌رسد همچنان هم درست اسـت- چگونه امروز می‌توان همان پروژه‌هـا را فاقد اولویت دانسـت؟ این اشـاره نه برای اثبات یک تناقض شخصی بلکه بیشـتر برای یادآوری این واقعیت اسـت که امنیت مفهومی چندوجهی اسـت؛ امنیت فقط حفظ جان مدیران نیسـت، امنیت یعنی اسـتمرار زندگی عادی مردم و پیشنهاد خضریان، همان تصویری است که در افکار عمومی شکاف ایجاد می‌کند. جامعه‌ای که با تورم، کمبود منابع، فرسـودگی زیرساخت‌ها و مشکلات معیشتی روبه‌روست احتمالاً می‌پرسد، چرا نخستین پروژه بزرگ دوران جنگ نه پناهگاه عمومی، نه مقاوم‌سـازی مدارس و بیمارستان‌ها و نه حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی بلکه شهرک‌های ویژه مدیران اسـت؟ بازتاب این پیشنهاد در شبکه ایکس نیز نشـان می‌دهد، بخشـی از کاربران دقیقاً همین پرسش را مطرح کرده‌اند؛ چرا در منطق جدید بودجه‌ریزی، امنیت مسـئولان باید بر امنیت عمومی تقدم پیدا کند؟ آنها معتقدند که اگر قرار اسـت کشور برای شرایط جنگی آماده شود این آمادگی باید پیش از هر چیز در پناهگاه‌های عمومی، بیمارسـتان‌ها، مدارس و زیرسـاخت‌های حیاتی دیده شود نه در شهرک‌های اختصاصی مدیران.

در نهایت، مسئله مخالفت با ایجاد مراکز تداوم حکمرانی نیست، مسـئله بیش از هر چیز پیامی اسـت که از سـوی برخی چهره‌های سیاسـی درباره اولویت‌هـای حکمرانی به افـکار عمومی مخابره می‌شـود، آن هم در شرایطی که دولت، تمام تلاش خود را به‌کار گرفته تا در شـرایط جنگی، زندگی روزمره مردم تا حد امکان عادی بماند؛ خدمات عمومی قطع نشـود، زیرسـاخت‌های حیاتی حفظ شوند، اقتصاد از حرکت نایسـتد و شـهروندان کمترین آسیب را از شرایط بحرانی متحمل شوند. در چنین چارچوبی نیز امنیت پایدار در حفظ کیفیت زندگی جامعه، تداوم خدمات عمومی و تقویت تاب‌آوری مردم شکل می‌گیرد. به همین دلیل اگر ایده «شهرک‌های حکمرانی» قرار است، بخشی از راهبرد دفاعی کشور باشد باید در کنار برنامه‌ای برای مقاوم‌سازی زندگی مردم تعریف شود.

ادامه سرمقاله

یک دوراهی و هشت ابهام

۴ افزایش قیمت نفـت که قبل از محاصره دریایی یکی از امتیازات بسـتن تنگه هرمز بود اکنون چه منافعی برای ایران دارد؟ حتی اگر تنگه باب‌المندب هم بسته شود و از صادرات نفت عربستان ۳۰ درصد کاسته شود و قیمت نفت ۲۰۰ دلار را هم لمس کند، منافع آن عاید روسـیه و آمریـکا به‌عنوان بزرگ‌ترین فروشـندگان نفت خارج از منطقه می‌شـود و سوال این است که واقعاً افزایش قیمت نفت به‌جز احتمال باخت جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای چهار ماه آینده، چه منفعتی برای ایران دارد؟ و آیا واقعاً آمریکا را از پا می‌اندازد؟! شایان ذکر است که در دوران احمدی‌نـژاد، قیمت نفت تا ۱۴۰ دلار هم بالا آمد و کشـورهای صنعتی و توسعه‌یافته آن را تحمل کردند.

۵ اقتصـاد ایران در حال تجربه رکـود تورمی جدی بعد از جنگ جهانی دوم اسـت. دولت در شرایط محاصره و عدم درآمـد ارزی برای تأمین هزینه‌های جنگ و جاری کشـور ناگزیر به خلق پول بدون پشـتوانه است که تورم سه‌رقمی را منجر خواهد شد. سونامی بیکاری و ورشکستگی صندوق‌های بیکاری و تأمیـن اجتماعی و بیمـه‌ای، اتمام ذخایر کالاهای اساسـی، تعطیلی صنایع به‌دلیل کمبود انرژی، مواد اولیه، تجهیزات و افزایش هزینه‌ها، سلسله‌ای از پیامدهایی است که با شعار، علاج نمی‌شود. چه تدبیری برای معیشت و اقتصاد عمومی در این مسیر پیش‌بینی شده است؟

۶ روش حکمرانـی آیت‌الله خامنه‌ای در حدود چهار دهه مسئولیت ایشان، حمایت مردم از تصمیمات نظام بود اما تغییری که رخ داده، فشار بخشی از جامعه به رهبری و مسئولان، بـرای گرفتن تصمیمات، مطابق نظرات آنهاسـت کـه پدیده‌ای خطرناک است چون طبیعتاً مشکلات و حساسیت‌ها و اطلاعات محرمانه نظام، که برای تصمیم‌گیری استفاده می‌شود، قابل طرح برای افکار عمومی نیسـت. چشم‌انداز فشـار خیابان بر میدان و دیپلماسی و مسئولان کجاست؟

۷ در برابـر خطر نفوذ و حفره امنیتی از سـوی ائتلاف احتمالـی روس-عبری برای برهم زدن توافق و آغاز مجدد جنگ، چه تدبیری اندیشیده شـده است؟ اینکه برهم خوردن توافق، تنها به سود اسـرائیل و روسیه است، نه قابل کتمان است و نه توسط مسئولان این کشورها، انکار می‌شود؛ حتی وزیر امور خارجه ایران نیز به خطر تصمیم‌سازی و ایجاد فضای روانی توسط جریان نفوذ، صراحتاً اذعان کرده است. آیا صحیح است که ساختار امنیتی کشور که به‌صورت مستقیم از اسـرائیل ضربه خورده را به‌صورت غیرمستقیم تحت‌فشار این جریان نفوذ قرار دهیم؟

۸ تفاهم‌نامه بـا ۱۲رأی از ۱۳رأی اعضای شـورای‌عالی امنیت ملی تصویب شد. رئیس‌جمهور، رئیس مجلس را مسـئول تیم مذاکره کرد. بنابراین راه نخست، مورد تأیید اکثریت قاطع مسئولان فعلی کشور اعم از مسئولان نظامی و سیاسی است اما راه دوم، توسـط افرادی توصیه می‌شـود که مسئولیت اجرایی، نظامی و سیاسی در کشور ندارند. اگر واقعاً قرار به اجرای این راه است، آیا بهتر نیست که مسئولان فعلی کنار روند و همین جریان خاص تندرو، سـکاندار مسائل کشور شـوند تا دیگر اخلالی و بهانه‌ای در مسیر به‌وجود نیاید؟

در مجموع به‌نظر می‌رسـد، گذر از راهبرد تحقق صلح به راهبرد تداوم جنگ که شـعار فعلی جریان خاص تحت‌تأثیر نفوذ و حفره امنیتی است و توسط سخنرانان، مداحان و چهره‌های رسانه‌ای آنها تکرار می‌شود نیاز به پاسخ به پرسش‌های فراوانی دارد که به بخشی از آنها اشـاره شـد و باید تا قبل از اوج گرفتن پیامدهای مسیر دوم برای اقناع افکار عمومی و نخبگان به آنها پاسخ داده شود.

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه اجرائی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۰۸۰۰۹۵۳۴ تاریخ ۱۴۰۳/۱۲/۷ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاسه ۲۷۰۵۳۷۴۰۹۹۹۳۹۴۰۴۹۷۹۸۴۲۴۵۳ تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضی آقای ستار توسلی فرزند محمد قلیج شماره شناسنامه ۲۰ کد ملی ۴۹۷۹۸۴۲۴۵۳ صادره آق قلا در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۵۷۸۷/۴۳ متر مربع مفروز و مجزی شده جزئی از پلاک ثبتی شماره ۲ -اصلی واقع در اراضی قریه دو گونچی- بخش ۶- حوزه ثبتی ملک شهرستان آق قلا تائید گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف:۵۹۲
تاریخ انتشار نوبت اول: روز شنبه ۱۴۰۵/۵/۱۰
تاریخ انتشار نوبت دوم : روز یکشنبه ۱۴۰۵/۵/۲۵
احمد نبویان
سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا
از طرف علی برقی

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه اجرائی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۰۸۰۰۲۵۰۳ تاریخ ۱۴۰۵/۴/۸ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۱۲۰۰۸۰۰۰۷۵۱ تصرفات مالکانه وبلا معارض متقاضی آقای نور محمد صحنه فرزند قره بیک به شماره شناسنامه ۸۴ کد ملی ۴۹۷۹۹۵۴۱۶۲ صادره آق قلا در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۰۹۷۰ متر مربع ، مفروز و مجزی شده جزئی از پلاک ثبتی شماره ۲۲۵ فرعی از ۴- اصلی واقع در آق قلا -اراضی قریه یانپی -بخش ۶-حوزه ثبتی ملک شهرستان آق قلا از سهمی مالک رسمی (باباقلی و ولی محمد یانپی) تائید گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف:۵۸۳
تاریخ انتشار نوبت اول: روز شنبه ۱۴۰۵/۵/۱۰
تاریخ انتشار نوبت دوم: روزیکشنبه ۱۴۰۵/۵/۲۵
احمد نبویان
سرپرست ثبت اسناد واملاک آق قلا

ائتلاف سرخ

تلاش ریاض برای کنترل دریای سرخ

گروه بین‌الملل: تشکیل ائتلاف دریایی به رهبری عربستان سعودی در دریای سرخ، نشانه‌ای از تغییر مهم در سیاست امنیتی ریاض است؛ کشوری که سال‌ها برای تضمین امنیت مسیرهای حیاتی انرژی و تجارت دریایی به حمایت قدرت‌های خارجی، به‌ویژه آمریکا، تکیه داشت اکنون در تلاش است، نقش فعال‌تر و مستقلی در معماری امنیت منطقه‌ای ایفا کند. این اقدام در شرایطی صورت می‌گیرد که تهدیدهای دریایی حوثی‌های یمن، مسیرهای حیاتی کشتیرانی در دریای سرخ و باب‌المندب را با چالش جدی مواجه کرده است. عربستان سعودی در حال حرکت به سمت تشکیل یک ائتلاف چندملیتی دریایی برای حفاظت از کشتیرانی در دریای سرخ و مقابله با تهدیدهای ناشی از حملات حوثی‌هاست؛ اقدامی که به باور برخی منابع یمنی همزمان با آمادگی ریاض برای یک عملیات نظامی گسترده علیه این گروه از مسیر دریا و احتمالاً زمین انجام می‌شود.

گزارش‌ها حاکی است، نیروهای سعودی در حال تغییر آرایش نظامی خود در شرق یمن هستند؛ اقدامی که برخی آن را مقدمه‌ای برای تحرکات زمینی احتمالی ارزیابی کرده‌اند. همزمان ریاض تلاش می‌کند یک چارچوب دریایی مشترک با حضور کشورهای منطقه و شرکای بین‌المللی ایجاد کند تا بتواند، امنیت مسیرهای انتقال انرژی و تجارت را تضمین کند. وزارت دفاع عربستان اعلام کرده که ۱۴ کشور ازجمله ترکیه، پاکستان، مصر، سودان و جیبوتی با صدور بیانیه‌ای مشترک از تشکیل یک ائتلاف دفاع دریایی حمایت کرده‌اند. ریاض همچنین از آمریکا و شماری از کشورهای اروپایی مانند بریتانیا، فرانسه، آلمان و ایتالیا خواسته است در این طرح مشارکت کنند. اهمیت این اقدام زمانی بیشتر مشخص می‌شود که نقش دریای سرخ در اقتصاد عربستان و بازار جهانی انرژی در نظر گرفته شود. این منطقه یکی از مهم‌ترین مسیرهای عبور نفت و کالا در جهان است و هرگونه ناامنی در تنگه باب‌المندب و خلیج عدن می‌تواند، پیامدهای گسترده‌ای برای تجارت بین‌المللی داشته باشد. برای عربستان مسئله تنها حفاظت از کشتی‌ها نیست؛ بلکه امنیت زیرساخت‌های اقتصادی این کشور نیز مطرح است. پروژه‌های بزرگی مانند نئوم و طرح‌های گردشگری ساحلی دریای سرخ در چارچوب برنامه «چشم‌انداز ۲۰۳۰» به ثبات امنیتی این منطقه وابسته هستند. همچنین بخش قابل‌توجهی از صادرات نفت عربستان اکنون از مسیرهای مرتبط با دریای سرخ انجام می‌شود و این مسیرها اهمیت راهبردی بیشتری پیدا کرده‌اند. در مرکز این تحولات، تقابل میان عربستان و حوثی‌های یمن قرار دارد. حوثی‌ها که کنترل صنعا و بخش بزرگی از سواحل دریای سرخ یمن را در اختیار دارند، در ماه‌های اخیر با استفاده از موشک‌های ضدکشتی و پهپادها، فشار خود را بر خطوط دریایی افزایش داده‌اند. این گروه اعلام کرده که محاصره کشتی‌های مرتبط با عربستان را آغاز کرده اما هدف خود را دریافت عوارض از همه کشتی‌ها عنوان نکرده است. حوثی‌ها همچنین تأکید کرده‌اند که این اقدام را در چارچوب مناقشه یمن تعریف می‌کنند نه یک رویارویی مستقیم با ایران. تشکیل این ائتلاف در واقع ادامه روندی است که با ایجاد «شورای کشورهای عربی و آفریقایی ساحلی دریای سرخ و خلیج عدن» در سال ۲۰۲۰ آغاز شد. این ساختار که ابتدا بر همکاری منطقه‌ای و مقابله با دزدی دریایی تمرکز داشت، اکنون به سمت همکاری‌های امنیتی گسترده‌تر برای مقابله با تهدیدهای موشکی، پهپادی و جنگ نامتقارن حرکت کرده است. با این حال مسیر پیش روی ریاض بدون مانع نیست. اختلاف منافع میان کشورهای منطقه، تفاوت توانایی‌های نظامی اعضای ائتلاف و غیبت برخی بازیگران مهم مانند امارات متحده عربی و اتیوپی می‌تواند، توان عملیاتی این اتحاد را محدود کند. علاوه بر این تجربه سال‌های گذشته در جنگ یمن نشان داده که برتری نظامی لزوماً به‌معنای دستیابی سریع به اهداف سیاسی نیست. با وجود این چالش‌ها، تشکیل ائتلاف دریایی عربستان را می‌توان، نشانه‌ای از تلاش ریاض برای کاهش وابستگی امنیتی به قدرت‌های خارجی و افزایش نقش خود در معادلات منطقه‌ای دانست. عربستان تلاش دارد، خود را نه فقط به‌عنوان یک بازیگر اقتصادی بلکه به‌عنوان یکی از ضامنان اصلی امنیت دریایی در غرب آسیا معرفی کند. آینده این طرح به میزان توانایی عربستان در ایجاد هماهنگی میان اعضا و مدیریت رقابت‌های منطقه‌ای بستگی دارد. اگر ریاض بتواند این ائتلاف را به یک ساختار عملیاتی مؤثر تبدیل کند، دریای سرخ ممکن است وارد مرحله‌ای تازه شود؛ مرحله‌ای که در آن قدرت‌های منطقه‌ای، نقش مستقیم‌تری در حفاظت از یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های دریایی جهان ایفا خواهند کرد.

ادامه تیتر یک

خروج اسرائیل از غزه

وضعیت خروج اسرائیل از غزه

خروج نظامی اسرائیل از غزه به صورت مرحله‌ای و مشروط طراحی شده است:

عقب‌نشینی اولیه (اجرا شده): در مرحله اول، ارتش اسرائیل (IDF) از مناطق متراکم شهری عقب‌نشینی کرده و به خطوط حائل پیرامونی تعیین‌شده، منتقل شده است.

خروج کامل (مشروط): خروج کامل نیروهای اسرائیلی مستقیماً به اجرای موفق مرحله دوم، یعنی خلع‌سلاح قابل تأیید، وابسته است. رهبران اسرائیل تأکید دارند که خروج کامل نیروها تا زمانی که مراحل خلع‌سلاح به‌صورت مستقل تأیید نشده و نیروهای امنیتی بین‌المللی کنترل گذرگاه‌های مرزی را برعهده نگرفته‌اند، انجام نخواهد شد. پیشرفت روند صلح به دلیل اختلاف بر سر ترتیب اقدامات، متوقف شده است. اسرائیل خروج کامل خود را مشروط به خلع‌سلاح تأییدشده می‌کند، درحالی که حماس بدون تضمین خروج کامل اسرائیل و دریافت تضمین‌های سیاسی گسترده‌تر با خلع‌سلاح کامل مخالفت می‌کند.

ساختار حکمرانی پساجنگ

ساختار اداره غزه براساس یک مدل دوسطحی از قیمومت بین‌المللی طراحی شده که هدف آن جدا کردن مدیریت روزمره از رقابت‌های سیاسی گروه‌هاست:

نهاد نظارتی- هیأت صلح: این نهاد به ریاست رئیس‌جمهور آمریکا تشکیل می‌شود و شامل رهبران بین‌المللی و طرف‌های منطقه‌ای خواهد بود. یک نماینده عالی مانند نیکلای ملادنوف، فرستاده پیشین سازمان ملل در غزه مستقر می‌شود تا بر راهبردهای کلان، ادغام امنیتی و تأمین مالی بین‌المللی نظارت کند.

نهاد اجرایی- کمیته ملی اداره غزه (NCAG): یک نهاد موقت انتقالی متشکل از تکنوکرات‌های مستقل و غیرسیاسی فلسطینی، رهبران شهری و مدیران مدنی خواهد بود. علی عبدالحمید شعث، از شخصیت‌های سازمان آزادیبخش فلسطین، ریاست کمیته اداره ملی نوار غزه را برعهده دارد.

برنامه بلندمدت پیش‌بینی می‌کند که کنترل اداری در نهایت به یک تشکیلات خودگردان فلسطینی منتقل شود.

جدول زمانی بازسازی غزه

بازسازی غزه به دو مرحله عملیاتی مجزا تقسیم شده است:

مرحله احیای اولیه (در حال اجرا): تمرکز این مرحله بر اقدامات فوری اضطراری است؛ از جمله پاک‌سازی مهمات منفجرنشده، جمع‌آوری آوار، بازگشایی جاده‌های اصلی، بازسازی تأسیسات آب و فاضلاب است.

بازسازی جامع (مرتبط با مرحله دوم): بازسازی گسترده شامل ساخت مسکن، بنادر، مناطق ویژه اقتصادی صنعتی و شبکه برق به تثبیت امنیتی وابسته خواهد بود. کمک‌کنندگان بزرگ و صندوق‌های توسعه بین‌المللی اعلام کرده‌اند که پیش از آزادسازی بسته‌های چند میلیارد دلاری بازسازی، نیازمند تأیید خلع‌سلاح و شکل‌گیری یک ساختار حکمرانی تکنوکراتیک هستند.

حذف سیاسی و نظامی حماس؟

چارچوب صلح، خلع‌سلاح را به‌عنوان ترکیبی از مهار نظامی و سیاسی در نظر می‌گیرد و تمرکز بر نابودی توانمندی‌های نظامی است؛ از بین بردن ساختار سازمانی گردان‌های عزالدین قسام، نابودی زرادخانه‌های تسلیحات سنگین و خنثی‌سازی واحدهای تولید تسلیحات. این چارچوب به‌طور رسمی حضور حماس در پست‌های حکومتی یا وزارتخانه‌های مدنی را ممنوع می‌کند.

درحالی که ساختارهای نظامی را می‌توان از طریق عملیات فیزیکی نابود کرد، حذف کامل سیاسی یک جنبش اسلام‌گرا که ریشه‌های تاریخی در جامعه فلسطینی دارد، تنها با دستورات نظامی یا اداری امکان‌پذیر نیست.

آیا حماس واقعا خلع‌سلاح خواهد شد؟

اجرایی شدن این طرح به غلبه بر موانع ساختاری مهمی بستگی دارد. گروه‌های مسلح غیردولتی به‌ندرت بدون دریافت تضمین‌های کامل درباره جلوگیری از حملات هدفمند یا اشغال دوباره، داوطلبانه خلع‌سلاح می‌شوند. حماس پذیرفته است که اداره مدنی غزه را به تکنوکرات‌ها واگذار کند اما تأکید دارد که خلع‌سلاح کامل تنها در صورت وجود مسیر روشن به سوی تشکیل کشور مستقل فلسطین و خروج کامل ارتش اسرائیل امکان‌پذیر است. اگرچه تسلیحات سنگین و تونل‌های آشکار قابل نابودی هستند اما تأیید نابودی کامل سلاح‌های سبک و هسته‌های مخفی در محیط‌های شهری متراکم عملاً بسیار دشوار است. از همین‌رو خلع‌سلاح کامل فیزیکی حماس در کوتاه‌مدت بعید است.

نقش قطر، ترکیه و مصر

به‌نظر می‌رسد کشورهای مصر، قطر و ترکیه در دستیابی به صلح غزه نقش اساسی ایفا کرده‌اند و ترامپ از تلاش‌های آنها تشکر کرده است. مصر به‌عنوان میانجی اصلی منطقه‌ای و کشوری دارای مرز مستقیم با غزه، مدیریت گذرگاه رفح را برعهده دارد، تلاش‌ها برای تأمین امنیت کریدور فیلادلفیا و جلوگیری از قاچاق را هدایت می‌کند و در کنار اردن به آموزش نیروهای پلیس غیرنظامی فلسطینی کمک خواهد کرد. قطر به‌عنوان پل ارتباطی اصلی با رهبری سیاسی حماس عمل می‌کند. این کشور مذاکرات مربوط به گروگان‌ها را تسهیل کرده و سازوکارهای تأمین مالی کمک‌های بشردوستانه، پرداخت حقوق کارکنان مدنی و برنامه‌های احیای اولیه را فراهم می‌کند. ترکیه نیز حمایت دیپلماتیک از تشکیل دولت فلسطینی را هماهنگ می‌کند و تخصص فنی خود را در حوزه زیرساخت‌های غیرنظامی و بازسازی شهری ارائه می‌دهد؛ هرچند مشارکت مستقیم آن در نیروهای امنیتی با مخالفت دیپلماتیک اسرائیل مواجه است.

دیپلماسی

محاصره زمینی ایران!

طرح فریب برای اقدام بعدی؟

روزنامه انگلیسی تلگراف به نقل از منابع آگاه مدعی شد، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا که راهبرد خود را در بازگشایی تنگه هرمز ناکارآمد می‌بیند، در حال بررسی گزینه‌های دیگر برای بازگرداندن ایران به میز مذاکره از طریق اعمال فشار بر آن است و یکی از این گزینه‌ها، محاصره زمینی است که برخی آن را غیرممکن و برخی فریبی برای آزمودن موضع ایران توصیف کرده‌اند. روزنامه انگلیسی تلگراف به نقل از این منابع مدعی شد: این پیشنهاد یکی از چندین گزینه‌ای است که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا و بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل پس از آن که یک کارزار نظامی طولانی به گفته این منابع، رئیس‌جمهور آمریکا و نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی سه‌شنبه گذشته در دیداری در دفتر بیضی کاخ سفید، درباره افزایش فشار اقتصادی بر ایران «از طریق ابزارهای نظامی و غیرنظامی» گفت‌وگو کردند. تلگراف در توضیح این ادعا نوشت: این طرح احتمالاً مستلزم آن است که آمریکا و اسرائیل از همسایگان و شرکای منطقه‌ای ایران بخواهند که گذرگاه‌های مرزی را محدود یا تعطیل و جریان صادرات و واردات را محدود کنند. تلگراف در ادامه این گزارش نوشت: یک محاصره زمینی می‌تواند، گذرگاه‌های مرزی کلیدی مانند اینچه‌برون و سرخس که ایران را به ترکمنستان متصل می‌کنند، هدف قرار دهد. ایران با عراق، ترکیه، پاکستان، افغانستان، ترکمنستان، ارمنستان و جمهوری آذربایجان مرز مشترک دارد؛ به این معنی که مقامات آمریکا و رژیم صهیونیستی باید این کشورها که بسیاری از آنها متحدشان نیستند را به همکاری ترغیب کنند. واشنگتن ممکن است، پاکستان و عراق که متحدان نزدیک آن در منطقه محسوب نمی‌شوند را به‌عنوان حلقه‌های ضعیف ببیند. اگر هر یک از ۷ کشور هم‌مرز با ایران برای همکاری موافقت کنند با پیامدهای اقتصادی خاص خود و تهدید حملات تلافی‌جویانه ایران روبه‌رو خواهند شد. با این حال تلگراف نوشت: این احتمال نیز وجود دارد که اسرائیل و آمریکا این طرح را به‌عنوان یک فریب مطرح کرده‌اند تا توجه تهران را از گام واقعی بعدی خود منحرف کنند.

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی نوشهر

نظر به دستور مواد ۱و۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ ، املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی نوشهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد.

املاک متقاضی واقع در قریه تاج الدین کلا پلاک ۴ اصلی بخش ۴ قشلاقی کلاسه ۱۴۰۵/۱۵۴۱

رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۰۰۰۷۰۱۹۴۱۷ پلاک ۲۸۶ فرعی آقای / خانم جواد کاری فرزند محمد نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین محصور (کاربری زراعی) به مساحت ۵۴۹,۰۴ متر مربع خریداری بدون واسطه / با واسطه از فرزانه کشتکار کلائی

لذا به موجب ماده ۳قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی وماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دونوبت به فاصله ۱۵روز از طریق روزنامه محلی /کثیرالانتشار در شهرمنتشر ودر روستا علاوه برانتشار آگهی ، رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی ودر روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم ورسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید وگواهی تقدیم درخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است ودر صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید وصدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.بدیهی است برابر ماده ۱۳ آئین نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلا اظهارنامه ثبتی پذیرفته نشده، واحد ثبتی با رای هیات پس ازتنظیم اظهار نامه حاوی تحدید حدود مراتب رادر اولین آگهی نوبتی وتحدید حدود بصورت همزمان به اطلاع عموم می رساند ونسبت به املاک در جریان ثبت وفاقد سابقه تحدید حدود، واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می نماید.

شناسه آگهی: ۲۲۴۰۷۵۱

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۵/۱۰ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵/۰۵/۲۴

علی اکبر مقدسی فر – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نوشهر

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی نوشهر

نظر به دستور مواد ۱و۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ ، املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی نوشهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد.

املاک متقاضی واقع در قریه تاج الدین کلا پلاک ۴ اصلی بخش ۴ قشلاقی کلاسه ۱۴۰۵/۱۵۴۰

رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۰۰۰۷۰۱۹۴۳۶ پلاک ۲۸۱ فرعی آقای / خانم جواد کاری فرزند محمد نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین محصور (کاربری زراعی) به مساحت ۴۴۰,۲۲ متر مربع خریداری بدون واسطه / با واسطه از فرزانه کشتکار کلائی

لذا به موجب ماده ۳قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی وماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دونوبت به فاصله ۱۵روز از طریق روزنامه محلی /کثیرالانتشار در شهرمنتشر ودر روستا علاوه برانتشار آگهی ، رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی ودر روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم ورسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید وگواهی تقدیم درخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است ودر صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید وصدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.بدیهی است برابر ماده ۱۳ آئین نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلا اظهارنامه ثبتی پذیرفته نشده، واحد ثبتی با رای هیات پس ازتنظیم اظهار نامه حاوی تحدید حدود مراتب رادر اولین آگهی نوبتی وتحدید حدود بصورت همزمان به اطلاع عموم می رساند ونسبت به املاک در جریان ثبت وفاقد سابقه تحدید حدود، واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می نماید.

شناسه آگهی: ۲۲۴۰۷۶۳

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۵/۱۰ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵/۰۵/۲۴

علی اکبر مقدسی فر – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نوشهر

ویترین

نوشتن دوباره زندگی

نگاهی به رمان نامه‌نگار اثر ویرجینیا اوانز

محمد ثامنی
پژوهش‌گر جامعه‌شناسی

«گاهی زندگی، آن چیزی نیست که برایش برنامه‌ریزی کرده‌ایم؛ آن چیزی است که سال‌ها بعد، جرأت می‌کنیم درباره‌اش حرف بزنیم».

بعضی کتاب‌ها با حادثه آغاز نمی‌شوند؛ با سکوت آغاز می‌شوند. نه انفجاری در کار است، نه تعلیقی نفس‌گیر و نه رویدادی که از همان صفحه نخست خواننده را به‌دنبال خود بکشاند. همه‌چیز آرام است؛ آن‌قدر آرام که ممکن است در نگاه اول تصور کنیم، اتفاق مهمی قرار نیست رخ دهد. اما زندگی همیشه با صداهای بلند تغییر نمی‌کند. گاهی کافی است نامه‌ای نوشته شود؛ نامه‌ای که شاید سال‌ها دیر رسیده باشد، اما هنوز بتواند چیزی را درون انسان جابه‌جا کند. رمان «نامه‌نگار» نوشتهٔ ویرجینیا اوانز از همین جنس است؛ کتابی که نه دربارهٔ حادثه بلکه دربارهٔ فرصت‌های از دست‌رفته، سکوت‌های طولانی و شجاعت دیرهنگام برای گفتن حرف‌هایی است که سال‌ها در دل مانده‌اند. در روزگاری که بیشتر ارتباط‌های ما در چند ثانیه و با چند واژهٔ کوتاه شکل می‌گیرد، این رمان ارزش فراموش‌شده نامه را دوباره به یادمان می‌آورد. نامه، در این‌جا فقط وسیله‌ای برای انتقال خبر نیست؛ فرصتی است برای مکث، برای صادق بودن و برای گفت‌وگو با خود. آدم‌های این داستان، بیش از آن‌که برای دیگری بنویسند در حال بازخوانی زندگی خود هستند. ویرجینیا اوانز با نثری آرام، دقیق و عاری از احساسات‌گرایی اغراق‌آمیز نشان می‌دهد، سال‌های زندگی چگونه گاهی بی‌آن‌که متوجه شویم، روی هم انباشته می‌شوند و ما را به نقطه‌ای می‌رسانند که ناچاریم دوباره به گذشته نگاه کنیم؛ نه برای حسرت خوردن، بلکه برای فهمیدن. قدرت رمان، در همین پرهیز از بزرگ‌نمایی است. نویسنده از اتفاق‌های معمولی می‌نویسد؛ از رابطه‌های خانوادگی، دوستی‌ها، دل‌خوری‌های کوچک و خاطره‌هایی که هرگز کاملاً فراموش نشده‌اند اما همین جزئیات ساده، کم‌کم تصویری بزرگ‌تر می‌سازند؛ تصویری از انسانی که تمام عمر، در حال ساختن و ویران کردن خود بوده است. آن‌چه «نامه‌نگار» را متمایز می‌کند، نگاه مهربانش به انسان است. در این کتاب، هیچ‌کس کاملاً مقصر نیست و هیچ‌کس کاملاً بی‌گناه. آدم‌ها اشتباه می‌کنند، سکوت می‌کنند، دیر می‌فهمند و گاهی فرصت‌ها را از دست می‌دهند. اما نویسنده، به‌جای داوری، تلاش می‌کند آن‌ها را بفهمد. شاید همین ویژگی است که باعث می‌شود خواننده، بیش از آن‌که شخصیت‌ها را قضاوت کند، خود را در آینه آن‌ها ببیند. در ماه‌هایی که جامعه ما نیز تجربهٔ روزهای پرالتهاب و نااطمینانی را از سر گذرانده، بسیاری از ما بیش از گذشته به ارزش رابطه‌ها فکر کرده‌ایم. بحران‌ها، خواه جنگ باشند یا هر شکل دیگری از بی‌ثباتی، یک حقیقت را یادآوری می‌کنند؛ این‌که هیچ گفت‌وگویی را نباید بی‌دلیل به فردا موکول کرد. «نامه‌نگار» از همین منظر، فقط رمانی درباره گذشته نیست؛ دربارهٔ اکنون ما نیز هست. دربارهٔ تلفن‌هایی که نگرفتیم، نامه‌هایی که ننوشتیم و حرف‌هایی که تصور می‌کردیم همیشه برای گفتن‌شان وقت خواهیم داشت. از نظر ادبی نیز، اوانز به‌خوبی می‌داند چگونه احساس را از دل روایت بیرون بکشد، نه از دل شعار. او خواننده را وادار به گریه نمی‌کند؛ فقط موقعیتی می‌آفریند که انسان، ناگهان با بخشی فراموش‌شده از زندگی خودش روبه‌رو می‌شود. همین صداقت، رمان را تأثیرگذار می‌کند. شاید مهم‌ترین دستاورد این کتاب، یادآوری حقیقتی ساده باشد؛ این‌که ترمیم، همیشه از اتفاق‌های بزرگ آغاز نمی‌شود. گاهی از یک نامه شروع می‌شود. از چند جمله صادقانه. از پذیرفتن این‌که گذشته را نمی‌توان تغییر داد، اما می‌توان نسبت امروزمان را با آن عوض کرد. در نهایت، «نامه‌نگار» بیش از آن‌که دربارهٔ نوشتن نامه باشد، دربارهٔ نوشتن دوباره زندگی است. ویرجینیا اوانز به ما یادآوری می‌کند انسان، تا زمانی که توان گفت‌وگو، بخشیدن و روایت کردن را از دست نداده هنوز امکان آغازی دیگر را دارد. شاید همه نامه‌ها به مقصد نرسند، اما بعضی از آن‌ها درست در همان لحظه‌ای که نوشته می‌شوند، مقصد واقعی خود را پیدا کرده‌اند؛ در دل نویسنده‌شان.

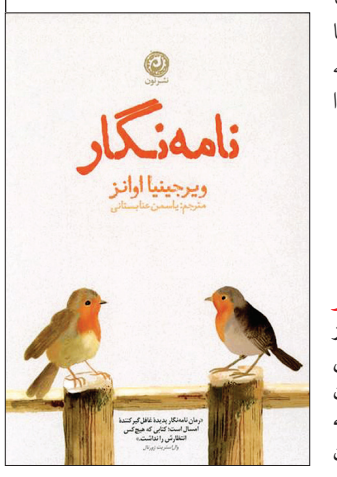

نامه‌نگار
ویرجینیا اوانز
ترجمهٔ یاسمن عنابستانی
نشر نون
۲۹۶ صفحه
۵۹۹۰۰۰ تومان

ترکیب سرگرمی و تفکر

کیگو هیگاشینو نویسنده پرکار ژاپنی که از تبلیغات گریزان بود، در ۶۸ سالگی درگذشت

کیگو هیگاشینو، نویسنده، پرکار ژاپنی که عمدتاً به‌خاطر رمان‌های معمایی‌اش شناخته می‌شود، هفتهٔ گذشته در ۶۸سالگی درگذشت. این خبر دوشنبه ۳ آگوست از طریق حساب رسمی او در شبکهٔ اجتماعی ایکس اعلام شد. نام هیگاشینو برای سال‌ها در لیست بهترین نویسندگان آثار تعلیقی-معمایی ادبیات ژاپن قرار داشت. این نویسنده جوایز ادبی زیادی برای آثارش دریافت کرده و تقریباً ۲۰ کتابِ او به فیلم و سریال تلویزیونی تبدیل شده‌اند.

«ژاپن تایمز» نوشت: «مراسم تشییع و خاک‌سپاری این نویسنده به‌صورت خصوصی برگزار شد و یک روز پس از اعلام خبر درگذشت هیگاشینو، شماری از کتاب‌فروشی‌های سراسر ژاپن با نمایش ویترین‌ها و بخش‌های ویژه، به این نویسنده ادای احترام کردند. گفته می‌شود، هیگاشینو از تبلیغات اجتناب می‌کرد؛ زیرا ترجیح می‌داد مردم او را در خیابان نشناسند. هیگاشینو در طول زندگی خود ۱۰۶ کتاب نوشت و بیشتر با رمان «فداکاری مظنون ایکس» (The Devotion of Suspect X) در میان خوانندگان انگلیسی‌زبان شناخته می‌شود. این نویسنده در سال ۲۰۰۶ برای همین اثر، موفق به دریافت جایزهٔ معتبر «نائوکی» شد و «جایزهٔ هونکاکو برای رمان معمایی» را نیز دریافت کرد که البته این دو جایزه فقط نمونه‌هایی از جوایز و نامزدی‌های پرشماری است که هیگاشینو در طول زندگی حرفه‌ای خود به‌دست آورد. وقتی نام ادبیات جنایی به میان می‌آید، ذهن بسیاری از خوانندگان به سمت نویسندگانی چون آگاتا کریستی، آرتور کانن دویل یا ریموند چندلر می‌رود. اما در دهه‌های اخیر، کیگو هیگاشینو توانسته است با سبک خاص و روایت متفاوت خود نه‌تنها در ژاپن بلکه در سراسر جهان، جایگاه ویژه‌ای پیدا کند. سال ۱۹۸۵ اولین رمانش را منتشر کرد و همان اثر نخست، جایزهٔ نویسندگان معمایی ژاپن را برایش به ارمغان آورد و نقطه آغازی شد بر یک مسیر درخشان. هیگاشینو یکی از محبوب‌ترین نویسندگان در آسیا و بنا به گزارش‌ها، محبوب‌ترین رمان‌نویس در چین است. پس از انتشار خبر درگذشت او کاربران شبکه‌های اجتماعی چین هم‌چنین رسانه‌های دولتی این کشور، با انتشار پیام‌هایی از او یاد کردند و مهارتش در داستان‌پردازی و شخصیت‌پردازی را تحسین کردند. طرفداران و همکاران او نیز در شبکه‌های اجتماعی، پیام‌های تسلیت بسیاری منتشر کردند. حقوق ترجمهٔ کتاب‌های هیگاشینو چون «مظنون ناشناس» به کشورهایی همچون چین، تایلند، فرانسه، روسیه و اسپانیا فروخته شد و قرار است، رمان جدیدش با عنوان «خاطره جاودان» ماه آینده منتشر شود.

مهندس برقی که نویسنده شد

کیگو هیگاشینو، ۴ فوریه ۱۹۵۸ در بخش ایکونوکو شهر اوزاکا (استان اوزاکا) به دنیا آمد. حروف لوگوگرافی که نام‌خانوادگی او را تشکیل می‌دهند، ابتدا به عنوان «تونو» تلفظ می‌شد؛ اما پدرِ کیگو آن را به هیگاشینو تغییر داد.

دوران کودکی هیگاشینو که در یک منطقهٔ کارگری سپری شد، به‌دلیل طبقهٔ پایینی که خانوادهٔ او به آن تعلق داشت، چالش‌برانگیز بود. او در مدرسهٔ ابتدایی کوجی، دبیرستان هیگاشی ایکونو و دبیرستان هانان تحصیل کرد و در دوران دبیرستان بود که شروع به خواندن داستان‌های معمایی کرد. هیگاشینو در دانشگاه اوزاکا در رشتهٔ مهندسی برق تحصیل کرد و در آن‌جا کاپیتان باشگاه تیراندازی با کمان شد. او با مدرک لیسانس مهندسی فارغ‌التحصیل شد. هیگاشینو در دوران دبیرستان و دانشگاه شروع به نوشتن کرد و دست‌نوشته‌های خود را به دوستانش نشان می‌داد. در سال ۱۹۸۱ به‌عنوان مهندس در شرکت Nippon Denso (در حال حاضر DENSO) شروع به کار کرد و با یک معلم دبیرستان ازدواج کرد. شب‌ها و آخر هفته‌ها زمان‌هایی بود که او در آن‌ها می‌نوشت. در سال ۱۹۸۳، رمان‌های معمایی منتشرنشدهٔ خود را برای بررسی جایزه سالانهٔ ادوگاوا رامپو ارسال کرد و سال ۱۹۸۵، در ۲۷ سالگی، جایزهٔ بهترین رمان معمایی منتشرنشده را برای کتابش دریافت کرد. سال ۱۹۸۶، از DENSO استعفا داد تا به‌عنوان یک نویسندهٔ تمام‌وقت در توکیو کار کند. این نویسنده در سال ۲۰۰۹، به‌عنوان رئیس انجمن نویسندگان رازآلود ژاپن انتخاب شد و تا سال ۲۰۱۳ در این سِمت قرار داشت. از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ در کمیته‌های مختلف MWJ فعالیت کرد و نقش مشابهی را برای جایزهٔ ادوگاوا رامپو از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۳ ایفا کرد.

پس از زلزلهٔ بزرگ شرق ژاپن در سال ۲۰۱۱، هیگاشینو حق امتیاز ۱۰۰ هزار نسخه از چاپ مجدد «بال‌های کیرین» را به تلاش‌های امدادی در مناطق آسیب‌دیده اهدا کرد. هیگاشینو در یکی از معدود گفت‌وگوهایش با «وال‌استریت ژورنال» در سال ۲۰۱۱ گفته بود: «بعضی نویسندگان

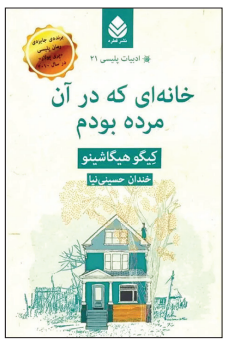

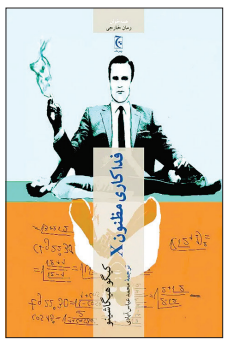

گزارش: سینمای ایران

آزادی پس از ۱۹ سال!

رفع توقیف از فیلم «صدسال به این سال‌ها» به کارگردانی سامان مقدم

بعضی از آثار سینمایی، بیش از آنکه حاصل هنر سینماگران خود باشند، آینه تمام‌نمای پرونده‌های پرپیچ‌وخم سانسور و مصلحت‌اندیشی‌های فرهنگی یک عصر می‌شوند. فیلم سینمایی «صد سال به این سال‌ها» ساخته سامان مقدم دقیقاً در همین نقطه ایستاده است؛ اثری که ۱۹سال تمام زیر سایه سنگین توقیف و تصمیم‌گیری‌های پشت پرده باقی ماند تا در نهایت از ساعت ۶ عصر پنج‌شنبه ۸ مرداد ۱۴۰۵ بدون آنکه هرگز رنگ اکران بر پرده نقره‌ای سینماها را ببیند به‌صورت اختصاصی در بخش سینما آنلاین پلتفرم فیلمنت به نمایش درآمد. فیلمی که در سال ۱۳۸۶ و با روایتی حماسی-دراماتیک از سه دهه حیات اجتماعی و سیاسی ایران تولید شد، دهه‌ها در راهروهای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دست‌به‌دست گشت، ۸ بار اصلاحیه خورد و حاشیه‌های پرشماری را تجربه کرد. «صد سال به این سال‌ها» تنها داستان یک زن به‌نام «ایران» نیست؛ بلکه قصه‌ای از تغییر یک نسل و مصائب سینمایی است که همواره در پیچ‌وخم‌های سانسور گیر کرده است.

سه‌گانه یک حیات: وقتی اسم دردسرساز می‌شود

داستان ۱۰۶دقیقه‌ای فیلم، به نویسندگی و کارگردانی سامان مقدم و تهیه‌کنندگی مرتضی شایسته روایتگر زندگی زنی به‌نام ایران (با بازی فاطمه معتمدآریا) در سه مقطع حساس و سرنوشت‌ساز از تاریخ معاصر ایران است: سال‌های پیش از انقلاب (۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷)، سال پایانی جنگ ایران و عراق (۱۳۶۷) و پایان دوران اصلاحات (۱۳۸۴).در بخش اول، قصه از سال ۱۳۵۵ در بندر انزلی آغاز می‌شود. ایران و همسرش رفیع، زندگی خوش و آرامی در کنار پسر کوچک‌شان، آرش، دارند. اما با نزدیک شدن به سال ۱۳۵۷ و التهابات انقلاب، بحران‌ها کلید می‌خورند. کارگر چاپخانه کوچک رفیع، در یک حادثه می‌میرد و رفیع در جریانات انقلاب و پس از حمله به کافه‌ای که سالگرد ازدواج‌شان را در آن جشن گرفته بودند، ناپدید می‌شود؛ جسد او مدتی بعد پیدا می‌شود و ایران را مجبور به ترک بندر انزلی و مهاجرت به تهران می‌کند. مقطع دوم در سال ۱۳۶۷ رقم می‌خورد؛ سال پایان جنگ و اوج حملات موشکی صدام به تهران. ایران حالا با خیاطی و دوختن لباس عروس روزگار می‌گذراند. در این میان، پسربچه‌ای به‌نام علی (با بازی علی شادمان) وارد زندگی او می‌شود. به ظاهر فرزند همان کارگر متوفی رفیع است، اما مشخص می‌شود رفیع پیش از انقلاب، مخفیانه با مادر او ازدواج کرده و حالا خودش را فرزند ناتنی ایران و برادر آرش معرفی می‌کند. در همان بحبوحه و زیر باران موشک‌ها، آرش به جبهه می‌رود و شهید می‌شود تا بار دیگر سوگ بر دوش ایران سنگینی کند.

در مقطع سوم، یعنی سال ۱۳۸۴، علی بزرگ شده (با بازی علی قربان‌زاده) و به یکی از فعالان دانشجویی تبدیل شده است. علی بازداشت می‌شود و ایران برای نجات او به سراغ فردی به‌نام امین (با بازی پرویز پرستویی) می‌رود؛ شخصیتی که پیش از انقلاب ناگهان ناپدید شده بود اما حالا به مقام بلندپایه‌ای در حکومت دست یافته است. مواجهه ایران و امین افشاگری‌های تلخی به همراه دارد: امین معترف می‌شود که در شب سالگرد ازدواج ایران و رفیع، با ماشین رفیع دست به عملیات زده و شیلات را آتش زده بود، اما ساواک رفیع را دستگیر و به قتل رسانده است. علی آزاد می‌شود، با دختر مورد علاقه‌اش (نگار جواهریان) ازدواج می‌کند و به پیشنهاد ایران، برای ادامه تحصیل، راهی خارج از کشور می‌شود؛ و در پایان، ایران می‌ماند و تنهایی و مرور خاطرات گذشته. بسیاری از رسانه‌ها و کارشناسان سینمایی، بر این باورند که دقیقاً همین نمادپردازی و نام‌گذاری شخصیت اصلی به‌نام ایران، در کنار مواجهه او با توفان‌های سیاسی سه دهه، دلیل اصلی نگران ساختن مسئولان وقت برای صدور پروانه اکران عمومی بوده است.

از جشنواره تا سیاه‌چاله

تولد «صد سال به این سال‌ها» از همان ابتدا، با بدشانسی و رفتارهای متناقض همراه بود. فیلم در سال ۱۳۸۶ ساخته شد و برای حضور در بیست‌وششمین دوره جشنواره فیلم فجر فرم پر کرد، اما هیأت انتخاب آن را در بخش مسابقه

می‌خواهند، خوانندگانشان را تحت‌تأثیر احساسات قرار دهند بعضی دیگـر می‌خواهند، جمله‌های زیبا بنویسـند. اما من می‌خواهم خوانندگانم مدام از ایده‌هایم غافل‌گیر شوند».

فراتر از معماهای کلاسیک

یکی از مهم‌ترین رازهای موفقیت هیگاشینو، سبک روایی منحصربه‌فرد اوست. درحالی که بسیاری از نویسندگان جنایی تلاش می‌کنند، هویت قاتل را تا پایان داستان پنهان نگه دارند، هیگاشینو گاهی از همان ابتدا شخصیت مجرم را معرفی می‌کند اما این به معنای از دسـت رفتن جذابیت داستان نیست؛ بلکه هیجان اصلی در چگونگی کشف حقیقت و تقابل شخصیت‌ها شـکل می‌گیرد. بـرای نمونه در رمان «فـداکاری مظنون x» خواننده خیلی زود درمی‌یابد چه کسی مرتکب قتل شده است. اما معما این است که چگونه پلیس می‌تواند از میان سرنخ‌های پیچیـده و طراحی دقیق مظنون، به حقیقت برسـد. این تغییر زاویهٔ دید باعث می‌شود، مخاطب به‌جای دنبال کردن یک پازل سـاده، با یک بازی ذهنی عمیق‌تر مواجه شود. از سوی دیگر هیگاشینو تکنولوژی و عناصر مدرن را وارد معماهای خود کرده است. در داستان‌های او موبایل، اینترنت، DNA یا حتی مسائل پیچیدهٔ علمی، نقشی کلیدی در حل پرونده‌ها دارند. این ترکیب میان معمای کلاسیک و فضای مدرن یکی از عوامل جذابیت آثار او برای مخاطبان امروز است.

شخصیت‌پردازی خاکستری

در بسیاری از رمان‌های جنایی کلاسیک، شخصیت‌ها یـا کاملاً مثبت‌انـد یـا کاملاً منفـی. امـا هیگاشـینو شخصیت‌هایی می‌آفریند که در مرز میان خیر و شر حرکت می‌کنند. آن‌هـا انگیزه‌هایی انسـانی، دردهایی واقعی و تصمیم‌هایی پیچیده دارند. به عنوان مثال، شخصیت اصلی در «فداکاری مظنون x» فردی است باهوش و فداکار که برای محافظت از کسی که دوستش دارد، دست به کاری می‌زند که از نظر اخلاقی نادرست است. خواننده در پایان داستان با پرسشی دشوار مواجه می‌شود: آیا این شخصیت سـزاوار محکومیت مطلق اسـت یا همدلـی؟ این ابهام اخلاقی یکی از دلایل اصلی تأثیرگذاری آثار هیگاشـینو است. او نشان می‌دهد، جنایت تنها محصول یک «روح پلید» نیست بلکه اغلب از دل شرایط اجتماعی، فشارهای روانی و روابط انسانی سر برمی‌آورد.

پیوند با فرهنگ و جامعه ژاپن

هیگاشینو صرفاً معما نمی‌نویسد، بلکه بستری اجتماعی برای داسـتان‌هایش فراهم می‌کند. فضای توکیو، زندگی روزمره مردم، محله‌ها و سـنت‌های ژاپنی در آثار او به‌خوبی بازنمایی می‌شود. این زمینه فرهنگی باعث می‌شود، رمان‌ها علاوه بر جذابیت جنایی نوعی مستندسازی از جامعه ژاپن معاصر نیز باشند. برای نمونه در رمان Newcomer ماجرای جنایت در دل محله‌ای سـنتی روایت می‌شود که روابط انسـانی و اعتماد اجتماعی در آن نقش مهمی دارد. هیگاشـینو با ظرافت، جامعه‌ای متراکـم اما صمیمی را به تصویر می‌کشد؛ جامعه‌ای که تضاد سنت و مدرنیته در آن به چشم می‌خورد. این بازنمایی دقیق فرهنگ، باعث شده آثار او هم برای خوانندگان ژاپنی جذابیت داشته باشند و هم برای مخاطبان جهانی که می‌خواهند، ژاپن واقعی را در دل یک داستان جنایی ببینند.

تفاوت با نویسندگان غربی

درحالی که نویسندگانی مانند آگاتا کریستی یا دوروتی سی‌یرز بیشـتر بر «پازل معما» تمرکز دارند و نویسـندگانی مثل یو نسبو بر هیجان و خشونت، هیگاشینو توانسته میان این دو جهان پلی بسازد. او از یک سو دقت و ظرافت نویسندگان کلاسیک را دارد و از سوی دیگر، با طرح مسائل انسانی و اخلاقی، عمق بیشتری به داستان می‌بخشـد. به همین دلیل است که برخی منتقدان، او را «وارث آگاتا کریسـتی» و همزمان «آیینه جامعهٔ ژاپن مدرن» می‌نامنـد. راز موفقیت کیگو هیگاشـینو در ادبیات جنایی ژاپن را می‌توان در سـه کلمـه خلاصه کرد: «معما»، «انسـانیت» و «جامعه». او داستان‌هایی می‌نویسد که در ظاهر، معمایی پیچیده دارند اما در لایه‌های زیرین، بازتابی از روابط انسـانی و مسائل اخلاقی‌اند. خواننده در آثار او تنها به‌دنبال پیدا کردن قاتل نیست بلکه با پرسـش‌های عمیق‌تری روبه‌رو می‌شود: وفاداری تا کجا قابل توجیه اسـت؟ آیا شـرایط اجتماعی می‌تواند، فردی عادی را به سـمت جنایت سوق دهد؟ حقیقت مهم‌تر است یا حفاظت از عزیزان؟ این پرسش‌هاسـت که باعث می‌شود، آثار هیگاشینو حتی پس از پایان مطالعه در ذهن خواننده باقی بمانند. او نه‌تنها یکی از مهم‌ترین نویسـندگان جنایی ژاپن است، بلکه به الگویی جهانی برای تلفیق سرگرمی و تفکر تبدیل شده است. «معجزات مغازهٔ نامیـا»، «مرگ در توکیو»، «رژهٔ خامـوش»، « فداکاری مظنون x»، «تازه‌وارد» و «خانه‌ای که در آن مرده بودم» از جمله رمان‌های کیگو هیگاشینو هستند که به فارسی ترجمه شده‌اند.

نپذیرفت و به بخش مهمان فرسـتاد. این اقـدام، اعتراض شدید مرتضی شایسـته و سـامان مقدم را در پی داشت.دو سـال بعد، در دوازدهمین دوره جشن خانه سینما (۱۳۸۷)، فیلم توانست نظر منتقدان و کارشناسان را جلب کرد. «صد سال به این سال‌ها» برنده تندیس زرین بهترین چهره‌پردازی (مهین نویدی) شد و در پنج بخش مهم دیگر، شامل بهترین بازیگر نقش اول زن (فاطمه معتمدآریا)، بهترین فیلم‌برداری (محمـود کلاری)، بهترین تدوین (محمدرضـا موبینی)، بهترین صداگذاری و میکس (علیرضـا علویان) و بهترین موسـیقی متن (کارن همایون‌فر) کاندیـدای دریافت جایزه گردید. با روی کار آمدن علیرضا سـجادپور در اداره نظارت و ارزشیابی، فیلم سـرانجام در جشنواره بیست‌وهشتم فجر (۱۳۸۸) نمایش محدودی برای خبرنگاران و اهالی رسانه در سالن رسـانه‌ها پیدا کرد. اما این تک‌نمایش به‌جای گشودن گره، قفل جدیدی بر سرنوشت اثر زد. موج اتهامات از سوی برخی جریان‌ها آغاز شـد و فیلم به اثـری «ضد انقلاب» یا «زیر سوال برنده دستاوردهای نظام» متهم شد.

ممیزی، سانسور و قول‌های عمل نشده

چرخه اکران و توقیف «صد سال به این سال‌ها» شبیه به یک کمدی‌درام دردناک در مدیریت فرهنگی کشور شد. در پاییز ۱۳۸۹ حتی قرارداد اکران عمومی فیلم در گروه سینمایی آزادی و آفریقا ثبت شـد، اما تنها یـک هفته پیش از اکران، همه‌چیز لغو شـد. جواد شـمقدری، رئیس وقت سـازمان سـینمایی، در اظهارنظری عجیب و متناقض مدعی شـد: «فیلم در مجموع برای نظام ارزشی ندارد که بخواهیم توقیفش کنیم. ما نگران این نیستیم مردم «صد سال به این سال‌ها» را

که به‌نوعی فرآیند انقلاب را نقد می‌کند، ببینند».

با این‌حال، سازمان سـینمایی وقت، شمشیر سانسور را تیزتر کرد. مرتضی شایسـته، بعدها افشا کرد که اثر بیش از ۸ بار دسـتخوش اصلاحیه شد و زمان آن از ۱۲۰ دقیقه به ۸۰ دقیقه کاهش یافت. تلاشی از سـوی مسئولان برای تبدیل یک اثر بلند به یک فیلم کوتاه، بدون آنکه حتی پس از قیچی خوردن ۴۰ دقیقه از فیلم، پروانه نمایش آن لغو نشود یا اجازه اکران پیـدا کند. در دی‌ماه ۱۳۹۲ سـینماتک جامعه صنفی تهیه‌کنندگان، نشستی اختصاصی برای نمایش این فیلم برگزار کرد. جواد طوسی، منتقد قدیمی سینما، در آن نشست تأکید کرد: «فیلم دچار سوءتفاهم شـده است. سامان مقدم اسیر نوستالژی نمی‌شود و با نگاهی منطقی از مقاطع تاریخی عبور می‌کند. ارزیابی برخی رسانه‌ها غلط بوده است».

در همان نشسـت، مرتضی شایسـته با خستگی از کپی کشـیدن‌های متعدد برای مسئولان گفت و اعلام کرد بودجه ۵۲۰میلیون تومانی ساخته‌شـدن فیلم در سال ۱۳۸۶ (که در زمان خود رقـم هنگفتی بود)، در صورت بازتولید در دهه ۹۰ به بیش از سه میلیارد تومان می‌رسید.طی سال‌های توقیف، اهالی سینما بارها تلاش کردند این صخره یخ‌زده را ذوب کنند. تیرماه ۱۳۹۶ در جشن کانون کارگردانان، سامان مقدم خطاب به وزیر وقت ارشاد گفت: «۱۱ سال است فیلمم توقیف است اما متأسفانه حتی در لیست فیلم‌های توقیفی که مدیران اعلام می‌کنند هم نیست. شـاید چون آنقدر مورد هجوم اتهام‌های ضدانقلاب و وطن‌فروش قرار گرفتم که سکوت کردم، اما این سکوت به معنی انصراف نیست».موج بعدی در آبان ۱۳۹۸ و همزمان با رفع توقیف فیلم «خانه پدری» ساخته کیانوش عیاری شـکل گرفت. پرویز پرسـتویی در نامه‌ای سرگشاده خطاب به حسـین انتظامی، رئیس وقت سازمان سینمایی، نوشـت: «فیلم نمودار یک زن معتقـد و پایبند ایرانی یا بهتر بگویم (مادر شـهید) است که دوران سختی را سپری کرده و اسـتوار ایستاده اسـت. این فیلم هم دنیا را دارد و هم آخرت را... دو ساعت از وقت گرانبهایتان را صرف دیدن آن کنید». سامان مقدم نیز در پاسـخی پراحساس به پرستویی نوشت: «پرویز جان، تردید نکن دوستانی که صد سال به این سال‌ها را توقیف کرده‌اند، هنگام تماشای فیلم سخت گریسته‌اند». فاطمه معتمدآریا نیز با اشاره به گذر زمان یادآور شد: «سیزده سـال یعنی تغییر یک نسل... امروز زمان قضاوت درست و جبران بی‌مهری است».

اکران در پرده شیشه‌ای

با آغاز دهه ۱۴۰۰ و اوج‌گیری پلتفرم‌های نمایش خانگی، بحث اکران آنلاین «صد سال به این سال‌ها» بارها مطرح شد اما هر بار به درهای بسته خورد. تا اینکه سرانجام در مردادماه ۱۴۰۵ طلسم ۱۹ ساله شکست.

فیلم‌نت، پلتفرمی که پیش‌تر مجموعه موفق «افعی تهران» را بـه کارگردانی سـامان مقدم عرضه کرده بود، مسـئولیت پخـش اختصاصی این اثر مغضوب را برعهده گرفت. عرضه فیلم با زیرنویس اختصاصی برای ناشـنوایان، ادای دینی بود به مخاطبانی که دو دهه برای دیدن یکی از پربازیگرترین آثار سینمای ایران انتظار کشـیدند؛ تیمی از مجموعه ستارگانی شامل فاطمه معتمدآریا، پرویز پرستویی، رضا کیانیان، علی شادمان، نگار جواهریان، علی قربان‌زاده، امیرحسین آرمان، بهاره افشاری و...

نمایش «صد سال به این سال‌ها» روی بسترهای آنلاین شـاید مرهمی بر خسـارت‌های مالی و روحی سازندگان آن باشـد، اما بار دیگر این پرسـش بنیادین را در برابر مدیریت فرهنگی کشـور قرار می‌دهد: فیلمی که پس از ۱۹سال بدون ایجاد هیچ‌گونه بحران اجتماعـی به نمایش درآمد، چرا باید یک نسـل از مخاطبان خود را محروم می‌کرد و سرمایه‌های مادی و معنوی سـینمای ایـران را در بایگانی‌های تاریک به نابودی می‌کشاند؟

گزارش: ورزش جهان

اسطوره شماره ۶ میلان

فرانکو بارزی
کاپیتان افسانه‌ای فوتبال ایتالیا و میلان درگذشت

امید ذاکری‌نیا
گروه فرهنگ

فرانکو بـارزی، کاپیتـان ابدی و اسطوره شـماره ۶ میلان، یکی از بزرگ‌تریـن مدافعان تاریخ فوتبال و نماد وفـاداری در آث‌میلان، در ۶۶سـالگی از دنیا رفت؛ اما میراث او چیزی فراتر از جام‌ها و رکوردهاست. او بازیکنی بـود که تعریف تازه‌ای از نقش مدافع میانـی ارائه کرد؛ مردی که نه‌فقط با قدرت بدنی، بلکه با هوش، پیش‌بینی و درک عمیق از بازی، مسیر مسابقه را تغییر می‌داد. بارزی در ۲۰ فصل حضورش در پیراهن میلان، ۶ قهرمانی سـری‌آ، سه جام باشگاه‌های اروپا و چندین افتخار دیگر را به‌دست آورد. او همچنین با تیم ملی ایتالیا در جام جهانی ۱۹۸۲ قهرمان جهان شد؛ هرچند سهم اصلی او در آن تورنمنت، سال‌ها بعد و در جام جهانی ۱۹۹۴ به‌نمایـش درآمد؛ جایی کـه با وجود مصدومیت شـدید، در فینال مقابل برزیل بـازی کرد و یکی از بهترین نمایش‌های دوران فوتبالش را ارائه داد.اما داسـتان بارزی از زمین‌های بزرگ آغاز نشـد؛ از مزرعه‌ای کوچک در نزدیکی برشـا شروع شد. او در خانواده‌ای روستایی بزرگ شد؛ جایی‌که زندگی سخت و ساده بود. فرانکو و برادرانش در حیاط مزرعه با پای برهنه فوتبال بازی می‌کردند تا تنها کفش‌هایشان خراب نشود. توپ برای آنها وسیله‌ای ارزشمند بود و بارزی حتی برای نگه داشـتن همان توپ قدیمی، از پوست خشک‌شده خوک اسـتفاده می‌کرد تا عمرش بیشـتر شـود. در خانه آنهـا تلویزیونی وجود نداشـت و فوتبال را از رادیو دنبـال می‌کردند. همان گزارش‌های رادیویی از درخشش میلان و اینتر در اروپا، رویای پسر جوانی را ساخت که بعدها خودش به یکی از مهم‌ترین چهره‌های تاریخ میلان تبدیل شد.

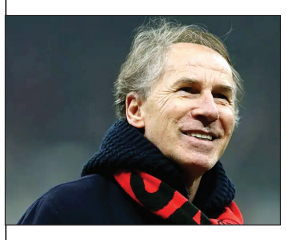

مسیر رسـیدن بارزی به فوتبال حرفه‌ای هم آسـان نبود. حتی در ابتدا اینترمیلان، تیمی که برادر بزرگ‌ترش پپه در آن بازی می‌کرد، او را از نظر فیزیکی مناسـب ندانست. میلان هم در نخسـتین تسـت او تردید داشـت، اما حمایت مربیان محلی باعث شد باشـگاه سرانجام به او فرصت بدهد. تصمیمی که بعدها مشخص شد یکی از مهم‌ترین انتخاب‌های تاریخ روسونری بوده است. بارزی در ۱۷ سالگی نخستین بازی خود را برای میلان انجام داد و خیلی‌زود جایگاهش را در ترکیب اصلی پیدا کرد. اما دوران حضور او در میلان تنها جشن قهرمانی نبود. او سخت‌ترین روزهای باشگاه را هم تجربه کرد؛ از سقوط به دسته دوم پس از رسوایی شرط‌بندی «توتونرو» تا بحران‌های ورزشی و مالی. با این‌حال، او هرگز باشگاه را ترک نکرد. برای بارزی، میلان فقط یک تیم فوتبال نبود؛ خانواده‌ای بود که در سال‌های دشوار کودکی و پس از، از دست دادن والدینش، به او پناه داده بود. همین ارتباط عاطفی بود که باعث شـد پیشنهادهای دیگر را رد کند و بماند تا میلان را از روزهای تاریک به دوران طلایی برسـاند. در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ بارزی ستون اصلی تیمی شد که بسیاری آن را یکی از بهترین تیم‌های تاریخ فوتبال می‌دانند. زیر نظر آریگو سـاکی، سیستم دفاعی میلان انقلابی در فوتبال ایجاد کرد. بارزی در این سیستم فقط یک مدافع نبود؛ او رهبر خط دفاع، آغازکننده حملات و مغز متفکر تیم بود. ورنر هرتسـوک، کارگردان مشهور آلمانی، سال‌ها بعد درباره او گفت: «هرگز بازیکنی وجود نداشـته که فضا را به این خوبی درک کند. او بازی را بهتر از هر بازیکنی از هر کشوری و هر دوره‌ای می‌دید». این توصیف شـاید بهترین شرح برای سبک بازی بارزی باشد. هرتسوک در سینما به‌دنبال کشف چشم‌اندازهای ناشناخته بود و بارزی در فوتبال همین کار را با زمین مسابقه انجام می‌داد؛ او پیش از دیگران می‌دید که چه اتفاقی قرار است رخ دهد. اوج تراژیک و در عین‌حال باشکوه دوران ملی او در جام جهانی ۱۹۹۴ رقم خورد. پس از مصدومیت زانو، بسـیاری تصور می‌کردند تورنمنت برای او تمام شده است، اما تنها ۲۴ روز بعد، در فینال برابر برزیل به میدان رفت. او در آن مسابقه رهبری مثال‌زدنی داشـت، اما سرنوشت در ضربات پنالتی تلخ بود. بارزی که نخستین پنالتی ایتالیا را زد، توپ را به بیرون فرسـتاد و بعد از شکست تیمش مقابل میلیون‌ها بیننده اشک ریخت. آن اشک شاید انسـانی‌ترین تصویر از مردی بود که تمام دوران فوتبالش را با صلابت و کنترل سپری کرده بود. کودکی که زمانی گریه را نشانه ضعف می‌دانست، در پایان مسیر اجازه داد احساسـاتش دیده شود. بارزی در سـال ۱۹۹۷ از فوتبال خداحافظی کرد و میلان شـماره ۶ او را برای همیشـه بایگانی کرد. او هرگز توپ طلا را نبرد اما بسیاری معتقدند اگر قرار بود جایزه‌ای برای کامل‌ترین مدافع تاریخ فوتبال اهدا شود، نام فرانکو بارزی نخستین گزینه بود.

او فقط یک کاپیتان نبود؛ او نماد یک دوره، یک سبک فوتبال و نسلی بود که نشان داد دفاع کردن هم می‌تواند هنر باشـد. شاید همان‌طور که گفته شده، زندگی او شایسته ساختن یک فیلم سینمایی باشد؛ فیلمی که شاید بهترین کارگردانش همان کسی باشد که سال‌ها پیش فوتبال او را فهمید: ورنر هرتسوک.

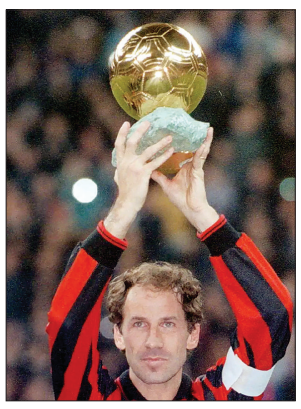

دیدگاه: یادداشت اقتصادی

هفته خوب

آیا بازار سهام در مسیر بهبود گام برمی‌دارد؟

نسرین خدادادی

گروه اقتصاد

بورس تهران در هفته منتهی به چهارشنبه هفتم مرداد ۱۴۰۵ یکی از بهترین عملکردهای خود در هفته‌های اخیر را به‌ثبت رساند. هرچند معاملات در آخرین روز هفته با افزایش احتیاط سرمایه‌گذاران و عقب‌نشینی شاخص کل همراه شد اما برآیند معاملات نشان می‌دهد که بازار سهام همچنان در مسیر بهبود حرکت می‌کند. رشد قابل‌توجه شاخص‌ها، ورود خالص نقدینگی حقیقی و عملکرد بهتر نمادهای کوچک و متوسط، مهم‌ترین ویژگی‌های این هفته بودند.

در پایان معاملات، شاخص کل بورس از ۴ میلیون و ۸۸۴ هزار واحد به ۵ میلیون و ۷۵هزار واحد رسید و با رشد ۱۹۱ هزار واحدی، بازدهی حدود ۳.۹ درصدی را ثبت کرد. شاخص هم‌وزن نیز با افزایش ۷۶ هزار واحدی از یک میلیون و ۳۵۶ هزار واحد به یک میلیون و ۴۳۲ هزار واحد رسید و بازدهی ۵.۶ درصدی را تجربه کرد. رشد بیشتر شاخص هم‌وزن نسبت به شاخص کل نشان می‌دهد که تقاضا تنها به چند نماد بزرگ محدود نبوده و بخش قابل‌توجهی از سرمایه‌ها به سمت شرکت‌های کوچک و متوسط حرکت کرده است. از منظر جریان نقدینگی نیز هفته مثبتی برای بورس رقم خورد. سرمایه‌گذاران حقیقی در مجموع بیش از ۵ هزار و ۵۶۰ میلیارد تومان نقدینگی وارد بازار کردند؛ موضوعی که در مقایسه با هفته‌های گذشته از افزایش اعتماد فعالان بازار حکایت دارد. بخش عمده این ورود سرمایه در روز یک‌شنبه رخ داد؛ روزی که کاهش تنش‌های سیاسی، بازگشایی موفق برخی نمادهای متوقف و افزایش خوش‌بینی معامله‌گران، موجی از تقاضا را وارد بازار کرد. در نتیجه شاخص کل بیش از ۱۰۷ هزار واحد افزایش یافت و اکثریت نمادها در محدوده مثبت معامله شدند. در مقابل، چهارشنبه محتاط‌ترین روز معاملاتی هفته بود. افزایش ابهامات سیاسی موجب شد، بخشی از سرمایه‌گذاران به شناسایی سود روی آورند و شاخص کل نزدیک به ۳۴ هزار واحد کاهش یابد. همزمان بیش از دو هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان پول حقیقی از بازار خارج شد. با این حال بهبود شرایط در نیمه دوم معاملات و رشد شاخص هم‌وزن نشان داد که فشار فروش عمدتاً بر نمادهای بزرگ و شاخص‌ساز متمرکز بوده و تقاضا در بخش قابل‌توجهی از بازار همچنان حفظ شده است.

دومینوی تولید

تعطیلی یک کارخانه، چگونه ده‌ها کارخانه دیگر را گرفتار می‌کند؟

سعید مشهوری

گروه اقتصاد

در یک روز گرم تابستان، برق کارخانه‌ای در حاشیه شهر قطع می‌شود. کوره‌ها خاموش می‌شوند، نوارهای تولید از حرکت می‌ایستند و کامیون‌هایی که برای بارگیری آمده‌اند، دست خالی بازمی‌گردند. شاید فکر کنید، اتفاق خاصی نیفتاده و تنها یک کارخانه چند ساعت تعطیل شده اما ماجرا به همین جا ختم نمی‌شود. چند روز بعد، قطعه‌سازی که منتظر مواد اولیه بوده، تولیدش را کاهش می‌دهد. خودروساز با کمبود قطعه روبه‌رو می‌شود. پروژه‌ای عمرانی به دلیل نرسیدن مصالح متوقف می‌شود و راننده‌ای که هر روز، بار این کارخانه را جابه‌جا می‌کرد، بخشی از درآمدش را از دست می‌دهد. هیچ‌یک از این افراد، برق آن کارخانه را قطع نکرده‌اند اما همگی هزینه آن را می‌پردازند. این همان ویژگی اقتصاد مدرن است که برخلاف ظاهرش، مجموعه‌ای از بنگاه‌های مستقل نیست بلکه شبکه‌ای از وابستگی‌های پیچیده است که در آن آسیب دیدن یک حلقه می‌تواند به سرعت به سایر حلقه‌ها سرایت کند. به‌گونه‌ای که حتی این اتفاق می‌تواند به کشورهای دیگر و قاره‌های دیگر هم سرایت کند. در علوم طبیعی این نوع سرایت با مفهومی شناخته می‌شود که آن را «اثر پروانه‌ای» می‌نامند. براساس این ایده، بال زدن یک پروانه در نقطه‌ای از جهان، در شرایط خاص، می‌تواند زنجیره‌ای از تغییرات ایجاد کند که در نهایت به وقوع توفانی در نقطه‌ای دیگر بینجامد. البته مقصود این نظریه، هرگز آن نیست که یک پروانه به‌تنهایی توفان می‌آفریند بلکه تأکید می‌کند در سامانه‌های پیچیده، رخدادهای کوچک می‌توانند از طریق شبکه‌ای از ارتباطات و وابستگی‌ها، پیامدهایی بسیار بزرگ و پیش‌بینی نشده ایجاد کنند. اقتصاد نیز دقیقاً چنین ساختاری دارد. همان‌گونه که گرفتاری یک انسان تنها به خودش محدود نمی‌شود و خانواده، دوستان و اطرافیان او را نیز درگیر می‌کند، بنگاه‌های اقتصادی نیز در شبکه‌ای از روابط متقابل زندگی می‌کنند. هیچ کارخانه‌ای به تنهایی تولید نمی‌کند، هیچ شرکتی تنها یک مشتری یا یک تأمین‌کننده ندارد و هیچ صنعتی را نمی‌توان جدا از صنایع دیگر تحلیل کرد. هر بنگاه هم به صدها بنگاه دیگر وابسته است و هم صدها بنگاه دیگر به آن وابسته‌اند.

واسیلی لئونتیف، اقتصاددان روس‌تبار آمریکایی و برنده جایزه نوبل اقتصاد، نزدیک به یک قرن پیش همین واقعیت را در قالب مدل داده–ستانده صورت‌بندی کرد. او نشان داد که اقتصاد را باید مانند یک شبکه دید نه مجموعه‌ای از واحدهای مستقل. در این شبکه، محصول هر صنعت، ماده اولیه یا خدمت مورد نیاز صنعت دیگری است و هر اختلال در یک نقطه، دیر یا زود از مسیر همین ارتباط‌ها به نقاط دیگر منتقل می‌شود. اگر اثر پروانه‌ای به زبان علوم طبیعی از حساسیت سامانه‌های پیچیده سخن می‌گوید، مدل داده–ستانده لئونتیف، نسخه اقتصادی همان ایده است. با این تفاوت که این بار مسیر انتقال شوک‌ها نه براساس حدس و شهود بلکه با اعداد و روابط، قابل اندازه‌گیری ترسیم می‌شود.

برای درک بهتر این موضوع کافی است، زنجیره تولید فولاد را تصور کنیم. اگر به دلیل کمبود برق یا گاز، تولید فولاد کاهش یابد، مسئله تنها به کاهش تولید شمش یا ورق فولادی محدود نمی‌شود. کارخانه‌های قطعه‌سازی با کمبود مواد اولیه روبه‌رو می‌شوند، خودروسازان ناچار به کاهش تولید خواهند شد، شرکت‌های حمل‌ونقل بار کمتری جابه‌جا می‌کنند، پروژه‌های ساختمانی با تأخیر مواجه می‌شوند، فروشندگان مصالح ساختمانی مشتریان خود را از دست می‌دهند و در نهایت درآمد هزاران خانوار کاهش پیدا می‌کند. همان‌گونه که بال زدن یک پروانه می‌تواند آغازگر زنجیره‌ای از رخدادها باشد، خاموش شدن یک کارخانه نیز می‌تواند، موجی از اختلال را در سراسر اقتصاد به جریان بیندازد. تفاوت در اینجاست که لئونتیف نشان می‌دهد این موج از کدام مسیرها عبور می‌کند، کدام صنایع را بیشتر تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و شدت این اثر در هر بخش چقدر است.

به همین دلیل، اقتصاددانان امروز هنگام تحلیل بحران‌هایی مانند کمبود برق، ناترازی گاز، اختلال در حمل‌ونقل، تحریم واردات قطعات یا توقف تولید خودرو، تنها به خسارت مستقیم همان صنعت نگاه نمی‌کنند. آنها می‌دانند که ارزش واقعی یک کارخانه تنها در محصولی که تولید می‌کند، خلاصه نمی‌شود بلکه در جایگاهی است که در شبکه تولید کشور دارد. ممکن است توقف یک کارخانه کوچک، اثر چندانی بر اقتصاد نداشته باشد اما توقف یک صنعت کلیدی مانند فولاد، پتروشیمی، خودرو یا سیمان، ده‌ها صنعت دیگر را نیز با مشکل مواجه کند. در چنین شرایطی، خسارت واقعی بسیار بزرگ‌تر از ارزش محصولی است که تولید نشده است زیرا باید زیان ناشی از کاهش تولید در صنایع پایین‌دستی، افت اشتغال، کاهش درآمد خانوارها و حتی کاهش صادرات را نیز به آن افزود. البته میان اثر پروانه‌ای و مدل لئونتیف تفاوت مهمی وجود دارد. اثر پروانه‌ای بیشتر یک مفهوم نظری درباره رفتار سامانه‌های پیچیده است و بر این نکته تأکید دارد که تغییرات کوچک می‌توانند، پیامدهای بزرگی ایجاد کنند اما مسیر دقیق این تغییرات را مشخص نمی‌کند. در مقابل، مدل داده–ستانده لئونتیف ابزاری تحلیلی و کمی است که نشان می‌دهد هر صنعت تا چه اندازه به صنایع دیگر وابسته است، شوک‌های اقتصادی از چه کانال‌هایی منتقل می‌شوند و کدام بخش‌ها بیشترین آسیب را خواهند دید. به بیان دیگر اگر اثر پروانه‌ای به ما هشدار می‌دهد که یک اختلال کوچک را نباید دست‌کم گرفت مدل لئونتیف توضیح می‌دهد چرا نباید آن را دست‌کم گرفت و هزینه واقعی آن دقیقاً چگونه در سراسر اقتصاد توزیع می‌شود.

امروز و در شرایطی که اقتصاد ایران با ناترازی انرژی، محدودیت‌های تجاری، تحریم، اختلال در زنجیره تأمین و مشکلات حمل‌ونقل روبه‌روست، اهمیت این نگاه بیش از گذشته آشکار شده است. تصمیمی مانند قطع برق یک صنعت، سهمیه‌بندی گاز یا محدود شدن واردات یک قطعه، تنها بر همان بنگاه اثر نمی‌گذارد. این تصمیم‌ها مانند موج‌هایی هستند که از یک نقطه آغاز می‌شوند و به تدریج به سراسر شبکه تولید گسترش می‌یابند. گاهی یک قطعه کوچک که وارد کشور نمی‌شود، خط تولید کارخانه‌ای بزرگ را متوقف می‌کند و تعطیلی همان کارخانه، صدها تأمین‌کننده و هزاران شغل را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. در چنین اقتصادی هیچ بنگاهی را نمی‌توان جزیره‌ای مستقل دانست. شاید مهم‌ترین درس لئونتیف همین باشد؛ اینکه اقتصاد، شبکه‌ای از روابط انسانی و اقتصادی است. همان‌طور که در زندگی اجتماعی، رنج یک انسان می‌تواند به اطرافیانش منتقل شود، در اقتصاد نیز گرفتاری یک بنگاه به‌ندرت در همان بنگاه باقی می‌ماند. هر کارخانه، هر شرکت حمل‌ونقل، هر معدن، هر پالایشگاه و هر واحد تولیدی، گره‌ای از شبکه‌ای بزرگ‌تر است. اگر یکی از این گره‌ها از کار بیفتد، اختلال ایجادشده مانند حلقه‌هایی که پس از افتادن سنگی در آب شکل می‌گیرند به‌تدریج به سایر بخش‌های اقتصاد می‌رسد. در دنیای به‌هم پیوسته امروز، گاهی خاموش شدن یک کارخانه آغاز زنجیره‌ای از خاموشی‌هاست که می‌تواند، بخش بزرگی از اقتصاد را درگیر کند. این همان تصویری است که لئونتیف دهه‌ها پیش ترسیم کرد که امروز بیش از هر زمان دیگری، واقعیت اقتصادهای مدرن را توضیح می‌دهد.

آگهی موضوع ماده۳ قانون وماده ۱۳آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای هیات به شماره ۷۲۷۹ تاریخ ۱۴۰۵/۰۳/۳۱ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بهشهر تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای سیروس گیلک قره تپه فرزند رفیع نسبت به سه دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۹۰۳۲,۷۰ مترمربع به شماره کلاسه ۱۴۰۵/۰۰۴ و قسمتی از پلاک ۸۳۰ فرعی از ۵۹- اصلی واقع در اراضی اراضی قره تپه بخش ۱۸ ثبت بهشهر مستند مالکیت خریداری شده مع الواسطه از مالک رسمی منابع طبیعی به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روزآگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

شناسه آگهی : ۲۲۲۳۴۴۵

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۴/۲۷

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۱۰

محمدحسن صادقی

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک بهشهر

حوزه ثبت ملک کوچصفهان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کوچصفهان
هیات موضوع قانون تعیین وتکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای صادره بشماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۸۰۲۱۰۰۲۱۷۵ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۰هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کوچصفهان بخش ۱۰ گیلان خریداری از مالک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضیان ذیل:

پلاک ۲۴۶ فرعی از سنگ اصلی ۴۴ قریه کرباسده مورد تقاضای آقای خدابخش موید فرزند خسرو به شماره شناسنامه ۲ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۴۳۷/۵۲ متر مربع محرز گردیده است .

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

م الف۲۷۵۵ شناسه آگهی ۲۲۲۵۱۹۱

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۴/۲۴

تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵/۰۵/۱۰

بهروز غلامپور

رییس اداره ثبت اسناد و املاک کوچصفهان

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک جنوب اصفهان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۱۷۰ مورخ ۱۴۰۵,۳,۳۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جنوب اصفهان تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی ، مالکیت آقای محمود احمدی به شناسنامه شماره ۱۳۰۶ کدملی۱۲۸۸۷۷۳۹۲۷ صادره اصفهان فرزند امان اله در ششدانگ یکباب ساختمان مسکونی به مساحت ۵۸,۸۰ متر مربع پلاک شماره ۵۶ فرعی از ۴۳۴۸ اصلی واقع در اصفهان بخش ۵ حوزه ثبت ملک جنوب اصفهان در ازای مالکیت رسمی مشاعی اولیه مفروز ثبتی گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول :۱۴۰۵,۰۵,۱۰ تاریخ انتشار نوبت دوم :۱۴۰۵,۰۵,۲۵

شناسه آگهی:۲۲۳۷۱۸۳

حسین عینی- رئیس ثبت اسناد و املاک جنوب اصفهان

آگهی موضوع ماده۳ قانون وماده ۱۳آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای هیات به شماره ۱۴۹۸۱ تاریخ ۱۴۰۲/۱۰/۲۱ و رای اصلاحی ۸۹۳۲ تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۳ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بهشهر تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای رحمان رحیمی فرزند کریم نسبت به شش دانگ یک قطعه زمین به مساحت ۷,۰۵ مترمربع به شماره کلاسه ۱۴۰۱/۵۷۵ قسمتی از پلاک ۶۵۸- اصلی واقع در اراضی اصلی شهر بخش ۱۷ ثبت بهشهر مستند مالکیت خریداری شده از مالک غیررسمی علی کریمی رستمی به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روزآگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

شناسه آگهی : ۲۲۲۷۸۵۴

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۴/۲۷

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۱۰

محمدحسن صادقی

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک بهشهر

حوزه ثبت ملک کوچصفهان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کوچصفهان
هیات موضوع قانون تعیین وتکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای صادره بشماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۸۰۲۱۰۳۷۱۵ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۱۱هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کوچصفهان بخش ۱۰ گیلان خریداری از مالک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضیان ذیل:

پلاک ۲۰۴ فرعی از سنگ اصلی ۱۴ قریه پشکه مورد تقاضای آقای علی اکبر کریمی خشته مسجدی فرزند عباس به شماره شناسنامه ۱۲۴۰ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی طرح تجهیز شده به مساحت ۳۶۴/۲۱ متر مربع محرز گردیده است.

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

م الف۲۷۵۶ شناسه آگهی ۲۲۲۵۲۱۳

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۴/۲۴

تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵/۰۵/۱۰

بهروز غلامپور

رییس اداره ثبت اسناد و املاک کوچصفهان

اگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه اجرائی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۰۸۰۰۲۳۶۸ تاریخ ۱۴۰۵/۳/۲۶ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۱۲۰۰۸۰۰۰۳۶۸ تصرفات مالکانه وبلا معارض متقاضی آقای حاج محمد گری فرزند بیرام محمد به شماره شناسنامه ۱۳۵ کد ملی ۲۲۶۸۹۹۴۲۹۵ صادره علی آباد در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۸۰۰۰ متر مربع ، مفروز و مجزی شده جزئی از پلاک ثبتی شماره ۲ فرعی از ۷ -اصلی واقع در آق قلا -اراضی قریه داشلی بخش ۱۲ -حوزه ثبتی ملک شهرستان آق قلا از سهمی سند مالکیت مشاعی تائید گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف:۵۸۲

تاریخ انتشار نوبت اول: روز شنبه ۱۴۰۵/۵/۱۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: روزیکشنبه ۱۴۰۵/۵/۲۵

احمدنبویان

سرپرست ثبت اسناد واملاک آق قلا

انبار باروت

آیا حمله به انبارهای نفت، پرونده قدیمی شهران را این بار به سرانجام می‌رساند؟

فائزه مومنی
گروه اجتماعی

«این انبار باید منتقل شود»؛ این جمله را می‌توان در آرشیو بیش از یک دهه مدیریت شهری تهران پیدا کرد؛ از شورای سوم و چهارم گرفته تا شورای پنجم و ششم. هر بار حادثه‌ای رخ داده، این مطالبه دوباره زنده شده است؛ یک بار پس از انفجار بندر بیروت، یک بار بعد از واژگونی تانکر سوخت در شهران و این بار پس از حمله به انبارهای نفت در جریان جنگ. اما اگر در گذشته نگرانی اصلی زلزله، آتش‌سوزی یا عبور روزانه صدها تانکر سوخت از میان محله‌های مسکونی بود، حملات سال گذشته، معادله را تغییر داد. این بار دیگر بحث فقط ایمنی شهری نیست؛ بلکه آسیب‌پذیری زیرساخت‌های حیاتی در زمان جنگ نیز به آن اضافه شده است. همین تغییر باعث شده موضوع انتقال انبار نفت شهران پس از سال‌ها دوباره موضوع انتقال آن این بار به‌صورت جدی‌تر مطرح شده است.

جنگ، یک مطالبه قدیمی را دوباره زنده کرد

پس از حمله به انبارهای نفت تهران، دود غلیظی که ساعت‌ها بر فراز بخش‌هایی از پایتخت دیده می‌شد، بار دیگر نگاه‌ها را به سمت مجموعه‌ای برد که سال‌هاست در شمال‌غرب تهران قرار دارد؛ مجموعه‌ای که هنگام ساخت، خارج از محدوده شهر بود اما امروز در میان محله‌های مسکونی قرار گرفته است. علیرضا زاکانی، شهردار تهران، می‌گوید ادامه فعالیت این انبارها «به صلاح شهر نیست». او توضیح می‌دهد که توسعه تهران باعث شده، تأسیساتی که روزگاری بیرون از شهر بودند، امروز در دل بافت مسکونی قرار بگیرند و همین مسئله ضرورت تصمیم‌گیری تازه را دوچندان کرده است. به گفته او، بعد از جنگ، ظرفیت مخازن کاهش یافته تا خطرات احتمالی کمتر شود اما این راه‌حل دائمی نیست. هدف نهایی، به گفته زاکانی، «بسته شدن پرونده انبارهای نفت» و انتقال آنها به خارج از محدوده شهری است؛ موضوعی که به گفته او با همکاری وزارت نفت در حال پیگیری است.

انباری که شهر به آن رسید

شهران تنها محله‌ای نیست که در طول چند دهه گذشته تغییر کرده؛ تهران نیز دیگر همان شهری نیست که انبار نفت در آن ساخته شد. محمد آقامیری، عضو شورای شهر تهران، می‌گوید هنگام احداث این مجموعه، اطراف آن خبری از ساختمان‌های مسکونی نبود اما توسعه شهر طی دو تا سه دهه گذشته باعث شد، خانه‌ها تا نزدیکی مخازن پیش بروند. به گفته او حتی پیش از آغاز جنگ نیز شورای شهر بارها به وزارت نفت درباره ضرورت انتقال این مجموعه تذکر داده بود زیرا این محدوده در طرح جامع و طرح تفصیلی تهران عملاً به یک بافت کاملاً مسکونی تبدیل شده است. او حالا از موضوع دیگری هم سخن می‌گوید؛ اینکه ۸۰ تا ۹۰ درصد مخازن و تأسیسات انبار نفت شهران در جنگ آسیب دیده‌اند و بازسازی دوباره آنها در همین محل از نگاه مدیریت شهری، تصمیم درستی نیست. پیشنهاد شورای شهر این است که پس از انتقال کامل مجموعه، این اراضی به فضاهای خدماتی و عمومی اختصاص پیدا کند.

«اگر مخازن پر بودند»

جنگ فقط به ساختمان‌ها آسیب نزد؛ محاسبات مدیران شهری را هم تغییر داد. ناصر امانی، عضو شورای شهر تهران، می‌گوید، یکی از دلایلی که دامنه خسارت‌ها گسترده‌تر نشد این بود که هنگام حمله، مخازن تنها حدود ۲۰ درصد ظرفیت داشتند. او هشدار می‌دهد اگر این مخازن با ظرفیت کامل از فرآورده‌های نفتی پر بودند، ابعاد حادثه می‌توانست به‌مراتب سنگین‌تر باشد. به اعتقاد او، حتی اگر وزارت نفت فعلاً امکان انتقال این مجموعه را ندارد، دست‌کم باید تدبیری اندیشیده شود که در شرایط بحرانی این مخازن با ظرفیت کامل مورد استفاده قرار نگیرند و بازسازی آنها در محل فعلی نیز انجام نشود.

هشدارهایی که سال‌ها تکرار شدند

بحث انتقال انبار نفت شهران بسیار قدیمی‌تر از جنگ اخیر است. تابستان ۱۴۰۲ واژگون شدن یک تانکر حامل ۳۲ هزار لیتر گازوئیل در محدوده شهران، بار دیگر نگرانی‌ها را افزایش داد. همان زمان ناصر امانی در صحن شورای شهر از تانکرهای حمل سوخت با عنوان «بمب‌های متحرک» یاد کرد و هشدار داد اگر آن تانکر به جای گازوئیل، حامل بنزین بود، ابعاد حادثه می‌توانست به مراتب گسترده‌تر باشد. او گفته بود، روزانه صدها تانکر سوخت از میان محله‌های مسکونی عبور می‌کنند و برخی رانندگان به دلیل کوتاه‌تر بودن مسیر، مسیرهای تعیین‌شده را نادیده می‌گیرند. از نگاه او حتی اگر انتقال انبار زمانبر باشد، برنامه‌ریزی برای آن باید سال‌ها پیش آغاز می‌شد.

حتی پیش‌تر، پس از انفجار بندر بیروت، برخی اعضای شورای شهر هشدار داده بودند که قرار گرفتن مخازن بزرگ سوخت در مجاورت مناطق مسکونی می‌تواند در صورت وقوع حادثه، پیامدهای سنگینی برای تهران داشته باشد؛ هرچند در همان زمان، مسئولان مدیریت بحران تأکید می‌کردند این مجموعه از نظر استانداردهای ایمنی، خطری فوری برای شهر محسوب نمی‌شود.

این بار اجماع بیشتری وجود دارد؟

شاید تفاوت امروز با سال‌های قبل در همسو شدن مواضع مدیران شهری باشد. علیرضا زاکانی از بسته شدن پرونده انبارهای نفت سخن می‌گوید. محمد آقامیری بازسازی آنها در محل فعلی را منطقی نمی‌داند. ناصر امانی بر انتقال فوری یا دست‌کم کاهش ظرفیت مخازن تأکید می‌کند و مهدی چمران نیز می‌گوید، شورای شهر از دوره سوم تاکنون پیگیر این موضوع بوده و تجربه جنگ نشان داد که ادامه فعالیت چنین مجموعه‌ای در مجاورت مناطق مسکونی از نظر ایمنی و زیست‌محیطی قابل دفاع نیست. با این حال انتقال یک انبار بزرگ نفتی، تصمیمی نیست که تنها در ساختمان بهشت یا شورای شهر گرفته شود. این پروژه نیازمند هماهنگی میان وزارت نفت، شهرداری، سازمان محیط‌زیست، نهادهای امنیتی و دستگاه‌های خدمات‌رسان است؛ فرآیندی که هم هزینه‌بر است و هم زمانبر.

پرونده‌ای که دوباره روی میز آمده است

شاید مهم‌ترین تفاوت امروز با تمام سال‌های گذشته این باشد که دیگر بحث انتقال انبار نفت شهران صرفاً یک مطالبه محلی نیست. جنگ، این پرونده را از حوزه مدیریت شهری به حوزه امنیت زیرساخت‌های حیاتی کشانده است. اگر پیش‌تر استدلال‌ها بر احتمال زلزله، آتش‌سوزی یا عبور تانکرهای سوخت از میان محله‌های مسکونی متمرکز بود اکنون سناریوی هدف قرار گرفتن این تأسیسات نیز به همان اندازه جدی شده است.

جنگ

ساعت مرگ

قشم پس از ۳:۳۶؛ حمله به یک خانه و دور تازه درگیری‌ها

گروه اجتماعی: ساعت دیواری، روی عدد ۳:۳۶ بامداد متوقف مانده است؛ عقربه‌هایی که به گفته خبرنگار حاضر در محل، زمان فرو ریختن خانه‌ای در محله چاه‌تنگوی قشم را نشان می‌دهد. خانه‌ای که تا چند ساعت پیش، محل زندگی یک خانواده پنج نفره بود و اکنون به تلی از آوار تبدیل شده است؛ آواری که از زیر آن پیکر پدر، مادر و یکی از فرزندان خانواده بیرون کشیده شد و دو کودک دیگر نیز با جراحات به بیمارستان منتقل شدند. حمله بامداد پنج‌شنبه، هشتم مرداد، پس از سه شب وقفه در درگیری‌ها رخ داد؛ زمانی که مقام‌های ایرانی از توافق برای توقف حملات با میانجیگری برخی کشورها سخن گفته بودند. اما بامداد پنج‌شنبه، حملات بار دیگر از سر گرفته شد و بنا بر اعلام مقام‌های ایران استان‌های هرمزگان، خوزستان، بوشهر، فارس و زنجان هدف حملات قرار گرفتند. بیشترین توجه اما به جزیره قشم معطوف شد؛ جایی که یک واحد مسکونی در محله چاه‌تنگو هدف اصابت قرار گرفت. احمد نفیسی، معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری هرمزگان اعلام کرد این خانه محل زندگی یک خانواده پنج نفره بوده و عملیات امداد و آواربرداری بلافاصله پس از حمله آغاز شده است. در نخستین ساعات، دو کودک از زیر آوار زنده خارج شدند و امدادگران جست‌وجو برای یافتن سه عضو دیگر خانواده را ادامه دادند.

ساعاتی بعد با پایان عملیات آواربرداری، مقام‌های استانی اعلام کردند پدر، مادر و یک کودک این خانواده جان باخته‌اند و دو فرزند دیگر برای ادامه درمان به مراکز درمانی منتقل شده‌اند. دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان نیز در اطلاعیه‌ای از پایدار بودن وضعیت عمومی دو کودک مجروح خبر داد و اعلام کرد همه ظرفیت‌های درمانی برای رسیدگی به مصدومان به‌کار گرفته شده است. تصاویر و گزارش‌های منتشرشده از محل حادثه، تصویری متفاوت از محل اصابت ارائه می‌کنند. خبرنگار صداوسیما که از مقابل خانه ویران‌شده گزارش می‌داد با اشاره به ساعت متوقف شده روی دیوار گفت این خانه متعلق به یک راننده تاکسی بوده و در محله‌ای کاملاً مسکونی قرار داشته است؛ محله‌ای که ساکنان آن عمدتاً از طریق صیادی، کارگری، پاکبانی و مشاغل ساختمانی امرار معاش می‌کنند. به گفته او، خانواده شب قبل زیر همین سقف شام خورده بودند و چند ساعت بعد، برخی از آنان زیر آوار جان باختند. در پی این حمله، سازمان منطقه آزاد قشم از اسکان اضطراری ۲۰ خانوار آسیب‌دیده در هتل‌آپارتمان‌های جزیره خبر داد و اعلام کرد، ارزیابی خسارت‌ها و تأمین نیازهای اولیه ساکنان ادامه دارد. استاندار هرمزگان نیز با حضور در محل حادثه، هدف قرار گرفتن مناطق مسکونی را مغایر با موازین بین‌المللی توصیف کرد و وعده داد، روند جبران خسارت‌ها و اسکان خانواده‌های آسیب‌دیده با فوریت انجام شود. حمله به قشم تنها بخش درگیری‌های بامداد پنج‌شنبه نبود. همزمان مقام‌های ایرانی از حملات به مناطقی در خوزستان، بوشهر، فارس و زنجان نیز خبر دادند؛ حملاتی که بنا بر گزارش‌ها در زنجان به کشته شدن سه عضو سپاه پاسداران انجامید.

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی نوشهر

نظر به دستور مواد ۱و۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ ، املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی نوشهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد.

املاک متقاضی واقع در قریه تاج الدین کلا پلاک ۴ اصلی بخش ۴ قشلاقی کلاسه ۱۴۰۵/۱۵۴۲

رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۰۰۰۷۰۱۹۴۰۷ پلاک ۲۸۵ فرعی آقای / خانم جواد کاری فرزند محمد نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی (کاربری مختلط) به مساحت ۴۶۲،۵۶ متر مربع خریداری بدون واسطه / با واسطه از فرزانه کشتکار کلانی

لذا به موجب ماده ۳قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی وماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دونوبت به فاصله ۱۵روز از طریق روزنامه محلی / کثیرالانتشار در شهرمنتشر ودر روستا علاوه برانتشار آگهی ، رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی ودر روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم ورسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید وگواهی تقدیم درخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است ودر صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید وصدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.بدیهی است برابر ماده ۱۳ آئین نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلا اظهارنامه ثبتی پذیرفته نشده، واحد ثبتی با رای هیات پس ازتنظیم اظهار نامه حاوی تحدید حدود مراتب رادر اولین آگهی نوبتی وتحدید حدود بصورت همزمان به اطلاع عموم می رساند ونسبت به املاک در جریان ثبت وفاقد سابقه تحدید حدود، واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می نماید.

شناسه آگهی: ۲۲۴۰۷۳۳

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۵/۱۰
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵/۰۵/۲۴

علی اکبر مقدسی فر
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نوشهر

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی نوشهر

نظر به دستور مواد ۱و۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ ، املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی نوشهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد.

املاک متقاضی واقع در قریه تاج الدین کلا پلاک ۴ اصلی بخش ۴ قشلاقی کلاسه ۱۴۰۵/۱۸۶۰

رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۰۰۰۷۰۱۹۴۳۳ پلاک ۲۸۲ فرعی آقای / خانم محسن جعفری ناز کسرا فرزند امیدعلی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی (کاربری مسکونی) به مساحت ۲۲۰،۳۶ متر مربع خریداری بدون واسطه / با واسطه از مازیار مالامیری

لذا به موجب ماده ۳قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی وماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دونوبت به فاصله ۱۵روز از طریق روزنامه محلی / کثیرالانتشار در شهرمنتشر ودر روستا علاوه برانتشار آگهی ، رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی ودر روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم ورسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید وگواهی تقدیم درخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است ودر صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید وصدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.بدیهی است برابر ماده ۱۳ آئین نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلا اظهارنامه ثبتی پذیرفته نشده، واحد ثبتی با رای هیات پس ازتنظیم اظهار نامه حاوی تحدید حدود مراتب رادر اولین آگهی نوبتی وتحدید حدود بصورت همزمان به اطلاع عموم می رساند ونسبت به املاک در جریان ثبت وفاقد سابقه تحدید حدود، واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می نماید.

شناسه آگهی: ۲۲۴۰۷۳۸

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۵/۱۰
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵/۰۵/۲۴

علی اکبر مقدسی فر
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نوشهر

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی نوشهر

نظر به دستور مواد ۱و۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ ، املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی نوشهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد.

املاک متقاضی واقع در قریه تاج الدین کلا پلاک ۴ اصلی بخش ۴ قشلاقی کلاسه ۱۴۰۵/۱۸۵۱

رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۰۰۰۷۰۱۹۴۰۱ پلاک ۲۸۴ فرعی آقای / خانم الیسا ترک تاج الدین کلا فرزند اسلام نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی (کاربری مسکونی) به مساحت ۲۴۲،۶۹ متر مربع خریداری بدون واسطه / با واسطه از اسلام ترک

لذا به موجب ماده ۳قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی وماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دونوبت به فاصله ۱۵روز از طریق روزنامه محلی / کثیرالانتشار در شهرمنتشر ودر روستا علاوه برانتشار آگهی ، رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی ودر روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم ورسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید وگواهی تقدیم درخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است ودر صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید وصدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.بدیهی است برابر ماده ۱۳ آئین نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلا اظهارنامه ثبتی پذیرفته نشده، واحد ثبتی با رای هیات پس ازتنظیم اظهار نامه حاوی تحدید حدود مراتب رادر اولین آگهی نوبتی وتحدید حدود بصورت همزمان به اطلاع عموم می رساند ونسبت به املاک در جریان ثبت وفاقد سابقه تحدید حدود، واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می نماید.

شناسه آگهی: ۲۲۴۰۷۴۴

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۵/۱۰
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵/۰۵/۲۴

علی اکبر مقدسی فر
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نوشهر

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی
صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران
مدیرمسئول: امیر اقتناعی ● **سردبیر:** اکبر منتجبی
زیرنظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)،
محمد عطریان‌فر، محمد قوچانی، علی هاشمی
سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر اقتناعی
مدیرهنری: رضا دولت‌زاده ● **عکس:** رضا معطریان
ویراستار: سعیده آرین‌فر ● **حروف‌چین:** سحر خسروجردی
نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸ ، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲
چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹- ۸۸۵۳۷۱۶۸
توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

شناسه آگهی: ۲۲۳۸۳۵۶

آگهی اخطار

سازمان امور مالیاتی کشور

آقای سیروس حقوردی (۹۹۷۸۲۰۹۳۶۳۷)
کارمند اداره کل امور مالیاتی شرق تهران

نظر به اینکه به استناد رای شماره ۴/۱۳۹۰/هب مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۳۱ صادره از سوی شعبه چهارم هیات بدوی رسیدگی به تخلفات اداری سازمان امور مالیاتی کشور به مجازات **«اخراج از دستگاه متبوع»** محکوم شده‌اید، بدینوسیله مفاد رای مزبور به شما ابلاغ می‌گردد. ضمناً رای مذکور قابل تجدیدنظر می‌باشد و در صورت اعتراض می‌توانید حداکثر ظرف مدت سی روز پس از تاریخ ابلاغ رای (تاریخ نشر آگهی)، اعتراض خود را به واحد کارگزینی اداره کل محل خدمت ارائه نمایید. در غیر این صورت به استناد تبصره ۱ ماده ۴ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، رای موصوف از تاریخ انقضای مهلت یاد شده قطعی و لازم‌الاجرا خواهد بود.

م الف: ۱۴۱۳

قوه قضائیه
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان ایلام

آگهی فقدان سندمالکیت پلاک ۵۱۹ اصلی

خانم خدیجه نعمتی مالک پلاک ۰ فرعی ۵۱۹ اصلی طی درخواست وارده شماره ۵۶۹۱ مورخ ۱۴۰۵/۴/۲۴ منظم به دو برگ استشهاد محلی که به تایید دفتر اسناد رسمی شماره ۱۲ ایلام رسیده مدعی است سند مالکیت سه دانگ یکباب مغازه پلاک ۵۱۹ اصلی واقع در ایلام به علت سهل انگاری گم شده است که برابر پرونده ثبتی سند مالکیت سه ششدانگ یک باب مغازه پلاک مذکور ذیل ثبت شماره ۰ صفحه ۵۸ دفتر جلد ۵۶ به شماره سند ۹۷۴۵۳۰ سری - سال بنام خانم خدیجه نعمتی صادر و تسلیم گردیده، لذا مراتب در اجرای تبصره ذیل ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت اعلام تا هرکس که سند مالکیت نزد وی بوده و یا مدعی انجام معامله می باشد ظرف مدت ده روز از انتشار این آگهی اصل سند مالکیت و یا سند معامله را به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ایلام ارائه نماید در غیر اینصورت پس از انقضای مهلت قانونی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام قانونی بعمل خواهد آمد .

فیض الهی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ایلام

شناسه آگهی ۲۲۳۹۶۳۳

حوزه ثبت ملک نور
از اداره ثبت اسناد و املاک نور

به : کلیه مالکین مشاعی پلاک یک فرعی از ۱۸ اصلی روستای خوریه اراضی جنگلی موسوم به گلباغ خمند –ناتل – خوریه و خورکلا

نظر به اینکه اداره منابع طبیعی و آبخیزداری شهرستان نور مالک مشاعی پلاک ۱ فرعی از ۱۸ اصلی واقع روستای خوریه اراضی جنگلی موسوم به گلباغ خمند – ناتل – خوریه و خورکلا بخش ده ثبت نور تقاضای تفکیک یک قطعه زمین پلاک فوق را به مساحت ۴۱۵٫۶۰ مترمربع نموده است . لذا به کلیه مالکین مشاعی پلاک فوق اخطار و ابلاغ می گردد چنانچه به عملیات تفکیکی معترض باشند می توانند ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار آگهی ، اعتراض خویش را به این واحد ثبتی تحویل نمایند.

شناسه آگهی : ۲۲۴۰۲۸۸
تاریخ انتشار : ۱۴۰۵/۰۵/۱۰

علی سعادتی - مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نور

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی نوشهر

نظر به دستور مواد ۱و۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ ، املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی نوشهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد.

املاک متقاضی واقع در قریه تاج الدین کلا پلاک ۴ اصلی بخش ۴ قشلاقی کلاسه ۱۴۰۵/۱۸۵۴

رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۰۰۰۷۰۱۹۴۲۴ پلاک ۲۸۳ فرعی آقای / خانم منا ترک تاج الدین کلا فرزند اسلام نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی (کاربری مسکونی) به مساحت ۱۸۱٫۹۱ متر مربع خریداری بدون واسطه / با واسطه از اسلام ترک

لذا به موجب ماده ۳قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی وماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دونوبت به فاصله ۱۵روز از طریق روزنامه محلی / کثیرالانتشار در شهرمنتشر ودر روستا علاوه برانتشار آگهی ، رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی ودر روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم ورسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید وگواهی تقدیم درخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است ودر صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید وصدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.بدیهی است برابر ماده ۱۳ آئین نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلا اظهارنامه ثبتی پذیرفته نشده، واحد ثبتی با رای هیات پس ازتنظیم اظهار نامه حاوی تحدید حدود مراتب رادر اولین آگهی نوبتی وتحدید حدود بصورت همزمان به اطلاع عموم می رساند ونسبت به املاک در جریان ثبت وفاقد سابقه تحدید حدود، واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می نماید.

شناسه آگهی: ۲۲۴۰۷۲۳
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۵/۱۰
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵/۰۵/۲۴

علی اکبر مقدسی فر
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نوشهر

قوه قضائیه
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

آگهی مزایده اموال غیر منقول کلاسه ۱۴۰۴۰۰۰۵۸

نظر به اینکه به موجب پرونده اجرائی کلاسه موصوف این اجرا متعهد: آراد تازیکه (راهن) و ابوذر تازیکه (وام گیرنده) – متعهدله: بانک ملی مورد وثیقه ششدانگ یکدستگاه آپارتمان با مشخصات ذیل الذکر در قبال طلب بستانکار (بانک ملی ایران) و حقوق دولتی متعلقه به آن پس از انجام کارشناسی و طی تشریفات قانونی از طریق مزایده حضوری به فروش می رسد ، طالبین خرید می توانند در جلسه مزایده شرکت و پیشنهاد خود را به همراه فیش واریزی ارائه و تسلیم نمایند.

مشخصات ثبتی ملک مورد مزایده :

ششدانگ یکدستگاه آپارتمان نوع ملک طلق به پلاک ثبتی ۵۵۳۴ (پنج هزار و پانصد وسی و چهار) فرعی از ۲۶۸ (دویست و شصت وهشت) اصلی ، مفروز و مجزا شده از ۵۳۶۰ (پنج هزار و سیصد و شصت) فرعی از اصلی مذکور واقع در طبقه دوم جنوب شرقی واقع در بخش سه حوزه ثبت ملک منطقه دو گرگان استان گلستان به مساحت ۷۵/۷۴ متر مربع (هفتاد و پنج مترو هفتاد و چهار دسیمتر مربع) که مقدار ۲/۱۰ متر مربع (دو متروده دسیمترمربع) آن تراس است با نضمام انباری ۶ (شش) بمساحت ۴/۳۷ متر مربع (چهار متر وسی و هفت دسیمتر مربع) واقع در همکف با قدر السهم از عرصه و سایر مشاعات و مشترکات طبق قانون تملک آپارتمانها و آئین نامه اجرائی آن موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۸۷۲۰۹۵ سری ج سال ۹۸ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۹۲۰۳۱۲۰۰۱۰۰۹۰۹۰ به نام آقای آراد تازیکه ثبت و سند صادر گردیده است.

به حدود: شمالا: اول به طول ۱/۹۵ متر (یک مترونود و پنج سانتیمتر) که متمایل به شرق و ۰/۷۲ متر (هفتاد و دو سانتیمتر) و ۱/۱۰ متر (یک متروده سانتیمتر) که شرقی و ۲/۰۵ متر (دو مترو پنج سانتیمتر) دیوار اشتراکی با آپارتمان مجاور دوم ۰/۹۰ متر (نود سانتیمتر) دیوار و پنجره به فضای هواکش سوم ۴/۶۵ متر (چهار متر وشصت و پنج سانتیمتر) دیوار اشتراکی با آپارتمان مجاور شرقا: بطولهای ۴/۸۰ متر (چهار متر و هشتاد سانتیمتر) و ۱.۴۰ متر (یک متروچهل سانتیمتر) که جنوبی و ۲/۱۰ متر(دو متروده سانتیمتر) دیوار و پنجره و تراس به فضای حیاط جنوبا: بطولهای ۴/۷۰ متر (چهار متر و هفتاد سانتیمتر) و ۰/۴۰متر (چهل سانتیمتر) که غربی و ۱/۶۵ متر (یک مترو شصت و پنج سانتیمتر) و ۳/۸۰ متر (سه متروهشتاد سانتیمتر) که متمایل به شرق دیوار و پنجره به فضای حیاط غربا: اول ۷/۳۰ متر (هفت متروسی سانتیمتر)دیوار اشتراکی با آپارتمان مجاور دوم ۱.۱۰ متر (یک متروده سانتیمتر) که متمایل به شمال و ۰/۵۵ متر (پنجاه و پنج سانتیمتر) که متمایل به جنوب دیوار و پنجره به فضای هواکش سوم که متمایل به شمال ۱/۲۷ متر (یک مترو بیست و هفت سانتیمتر) درب و دیوار به راه پله

برابر گزارش نظریه کارشناس رسمی دادگستری :

آدرس محل وقوع ملک مورد مزایده : گرگان کوی شهریار - کوچه شهریار دو -مجتمع نیلوفر -بلوک پنج با کدپستی ۴۹۱۳۹۸۷۹۴۸

۱ - ملک موصوف در مجتمع نیلوفر بلوک پنج که به صورت پنج طبقه (یک طبقه همکف و چهار طبقه مسکونی) شانزده واحدی (هر طبقه چهار واحد) در طبقه دوم با نمای سیمان واجر به صورت ترکیبی با سقف ایرانیت و اسکلت بتنی به صورت دو خواب با کف سرامیک و دیوارها گچ و کاغذ دیواری و دارای پذیرایی و آشپزخانه با کابینت فلز و سرویس بهداشتی و حمام و یک تراس و با گرمایش بخاری و سرمایش اسپیلت می باشد. ملک دارای انباری در طبقه همکف و فاقد پارکینگ و آسانسور می باشد. لازم بذکر است برخی از قسمتهای مشاعات نیاز به بازسازی و تعمیر دارد.

۲-ملک دارای انشعابات برق ، گاز و آب می باشد.

۳-ملک در زمان بازدید در اختیار مستاجر خانم احمدی به مبلغ اجاره بها طبق گفته مستاجر یکصد و بیست میلیون تومان پیش به صورت قرض الحسنه و ماهیانه دو میلیون تومان اجاره بها و پایان مدت اجاره بها شهریور ماه سال ۱۴۰۵ می باشد.

۴-ملک فاقد وقف می باشد.

۵-ملک مورد نظر با پلاک ثبتی در ابلاغ کارشناسی مطابقت دارد .

۶- شماره جام ملک ۲۷۲۲۸۰۴۰۸۱۵۵۱۴۰۰۰۱۰۰۲۰۳ می باشد. ملک مورد نظر به مبلغ ۲۴ /۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (بیست و چهار میلیارد ریال) ارزیابی و قطعی گردیده است.

طبق اعلام بستانکار ملک مورد مورد وثیقه توسط شرکت بیمه کوثر تا تاریخ ۱۴۰۶/۴/۲۹ دارای بیمه می باشد .

کلاسه پرونده ۱۴۰۴۰۰۰۵۸ این اجرا باستناد سندرهنی شماره : ۱۹۴ ، تاریخ سند : ۱۴۰۳/۲/۳۱

تنظیمی دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۶۳ شهر گرگان استان گلستان با موضوع لازم الاجرا ۹,۴۹۰/۴۵۰,۰۰۰ ریال (نه میلیارد و چهارصد و نود میلیون و چهارصد و پنجاه هزار ریال) تا تاریخ ۱۴۰۴/۱/۲۴ و از تاریخ مذکور روزانه مبلغ ۶,۰۵۰,۰۰۰ ریال ، به اصل بدهی افزوده می گردد.

مکان برگزاری مزایده: از ساعت ۹ صبح لغایت ۱۲ ظهر روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۵/۲۴ باستناد بخشنامه شماره ۱۴۰۳/۸۵۴۰۲ مورخ ۱۴۰۳/۵/۱۵ مدیر کل محترم دفتر نظارت بر اجرای اسناد رسمی کشور چنانچه روز و ساعت معین شده برای مزایده مصادف با روز تعطیل ادارات باشد روز برگزاری مزایده روزی خواهد بود که ادارات بعد از تعطیلی باز خواهند شد. مکان برگزاری مزایده: اداره اجرای اسناد رسمی گرگان واقع در کمربندی جنب راهنمایی رانندگی اداره ثبت اسناد و املاک گرگان طبقه دوم اداره اجرای اسناد رسمی گرگان شرائط مزایده: مزایده از مبلغی که توسط کارشناس رسمی تعیین گردیده شروع و برنده مزایده کسی است که بالاترین مبلغ را در جلسه مزایده پیشنهاد نماید. طالبین خرید می توانند در ساعات اداری جهت کسب اطلاعات بیشتر به اداره اجرای اسناد رسمی به نشانی فوق مراجعه نمایند و خریداران می توانند در وقت مقرر در محل مزایده حاضر و در جلسه مزایده شرکت نمایند. شرکت در جلسه مزایده برای عموم آزاد و منوط به پرداخت ۱۰ در صد از مبلغ پایه کارشناسی به حساب سپرده ثبت و تحت شناسه واریز اعلامی و حضور خریدار و یا نماینده قانونی او در جلسه مزایده است. متقاضی مکلف است اصل فیش واریزی مبلغ ودیعه ده درصد بنام خود را به همراه درخواست کتبی به واحد اجرا تسلیم و ثبت نمایند. همچنین استرداد وجوه از دهم ماه بعد قابل اجرا میباشد. برنده مزایده مکلف است ما به التفاوت مبلغ فروش را ظرف مدت پنج روز از تاریخ مزایده به حساب سپرده ثبت تودیع نماید و در صورتی که ظرف مهلت مقرر مانده فروش را به حساب سپرده واریز نکند مبلغ مذکور قابل استرداد نبوده و به حساب خزانه واریز خواهد شد. در این صورت عملیات فروش از درجه اعتبار ساقط و مزایده تجدید میگردد . مگر اینکه به استناد بخشنامه شماره ۱۴۰۰/۱۱۷۹۶۴مورخ ۱۴۰۰/۷/۴ مدیر کل محترم دفتر نظارت بر اجرای اسناد رسمی چنانچه در جلسه مزایده خریدار دیگری جز برنده مزایده حضور نداشته و شخص برنده ظرف مهلت ۵ روز مقرر در ماده ۱۳۶ اصلاحی آئین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی نسبت به تودیع ما به التفاوت مبلغ فروش به حساب صندوق ثبت اقدام ننماید و بستانکار متقاضی تجدید مزایده نباشد و ظرف مهلت مقرر نسبت به نحوه واگذاری مورد مزایده(ششدانگ یا سهم مشاعی به میزان طلب) اظهار نظر نماید در این صورت مورد مزایده با رعایت تشریفات ماده اخیر الذکر بر مبنای مبلغ پایه مزایده به بستانکار پرونده واگذار می گردد. فروش مال به نسیه در صورتی جایز است که متعهد له فروش به نسیه را قبول و مدیون نیز مازاد را نقدا دریافت و یا نسبت به مازاد نسیه را قبول نماید در هر صورت خود مسوول وصول خواهد بود و حقوق دولتی و حقوق حراج نقدا دریافت می شود. - مطابق ماده ۳۹ مکرر اصلاحی آیین نامه اجرای اسناد رسمی لازم الاجرا در کلیه پرونده های اجرایی که مال مورد مزایده به بستانکار واگذار می شود بدهکار می تواند ظرف دو ماه از تاریخ مزایده حسب مورد اقدام به پرداخت بدهی خود نماید. در این صورت خسارت تاخیر تادیه برای مراجعی که قانونا حق دریافت آن را دارند تا روز پرداخت وجه در صندوق ثبت محاسبه و وصول خواهد شد. این زمان برای واحدی تولیدی تا قبل از تنظیم و امضا سند انتقال اجرایی اموال یا تحویل مال منقول است. - پرداخت بدهی های مربوط به آب و برق و گاز اعم از حق انشعاب و یا حق اشتراک و مصرف در صورتی که مورد مزایده دارای آنها باشد و نیز بدهیهای مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره تا تاریخ مزایده به عهده خریدار خواهد بود و تنظیم سند انتقال موکول به ارائه مفاصا حسابهای دارایی و شهرداری و ... خواهد بود. این آگهی پس از تایید نهایی فرآیند مزایده و ارسال آگهی در سایت آگهی های سازمان ثبت قرار خواهد گرفت و به منزله انتشار آگهی در روزنامه کثیر الانتشار محلی است . تاریخ انتشار آگهی در سایت سازمان ثبت اسناد و املاک کشور شنبه مورخ ۱۴۰۵/۵/۱۰ جهت اطلاع به سایت سامانه های ثبت من my.ssaa.ir و یا سامانه کاتب kateb.ir مراجعه‌نمائید.

شناسه آگهی:۲۲۳۹۷۵۲

رئیس اداره اجرای اسناد رسمی گرگان- علی اصغر کریمی نسب